

# ناتوانی اقتصاد بازار در ایجاد تعادل اقتصادی و ضرورت دخالت دولت برای هدایت تقاضای کل<sup>۱</sup>

دکتر محمدرضا شریف‌آزاده  
دکتر محمد بابازاده

«علم مخلوق بشر است و هدف تفکر علمی این است که وجوه هر چه بیشتر واقعیت را تحت فرمول‌های خود درآورد».

## چکیده

در این مقاله ابتدا مبانی نظری مکاتب اقتصادی کلاسیک، نئوکلاسیک، کینزی، کلاسیک‌های جدید و کینزی‌های جدید که در چارچوب اقتصاد مبتنی بر بازار مطرح می‌شوند، تشریح گردیده است. سپس به ارزیابی و نقد اصول اساسی این مکاتب پرداخته شد تا نارسایی‌های آنان مشخص گردد. در طی این نوشته نظرات اندیشمندانی که موافق دخالت دولت در مدیریت تقاضای کل می‌باشند نیز مطرح و ارزیابی شد. در پایان ضمن تشریح ناتوانی مکانیزم بازار، پیشنهادات جدیدی در زمینه دخالت دولت در اقتصاد به منظور هدایت تقاضای کل ارائه گردیده است.

## مقدمه

از زمانی که اقتصاددانان کلاسیک این نظریه را بیان نمودند که آزادی کامل و حداکثری افراد، نهایتاً به برقراری تعادل در اشتغال کامل منابع و عوامل تولید و همچنین تعادل در بازار کالاها و خدمات، بدون دخالت دولت می‌انجامد جدل‌های نظری با آن آغاز شد و همچنان ادامه دارد. اقتصاددانان زیادی را می‌شناسیم که در این مناقشات علمی به‌عنوان موافق با کارایی این

---

۱- این مقاله براساس رساله دکتری تخصصی اقتصاد محمد بابازاده تدوین گردیده است. استاد راهنمای محترم این رساله جناب آقای دکتر شریف‌آزاده و اساتید محترم مشاور جناب آقای دکتر اکبر کمیجانی و جناب آقای دکتر جمشید پژویان بودند.

حقیقی و آرایه راه حل‌ها، منطبق بر واقعیت باشد. کار اقتصاددانان عبارت است از کوشش در کشف حقیقت و روشن ساختن راه برای دستیابی به هدف اقتصادی که چیزی جز تأمین و ارتقاء انسان از طریق استفاده بهینه از امکانات طبیعی خدادادی نیست. موضوع علم اقتصاد نیز ادامه زندگی انسان‌ها به بهترین شیوه می‌باشد. بنابراین انسان در مرکز موضوع علم اقتصاد قرار داشته و نیازهای مادی وی عامل تحرک فرد و اقتصاد است.

هر نظریه اقتصادی حاصل بررسی پدیده‌هایی است که در اثر رفتار انسان‌ها در چارچوب نهادها و زمینه‌هایی که یک جهان‌بینی خاص فراهم می‌آورد، مشاهده شده‌اند. این جهان‌بینی‌ها سیستم اقتصادی را ایجاد می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که یک نظام اقتصادی ثمره نوعی تحول در تفکر و اندیشه انسان‌ها است که به دنبال آن تغییرات اساسی و همه‌جانبه در ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به وجود می‌آید. در تحقیقات اقتصادی رفتار محقق طوری است که در بخشی از اقتصاد به دنبال کشف پدیده‌هایی است که در بیرون مصداق دارند و در بخش دیگر به رفتار محض انسان توجه دارد به این دلیل است که علم اقتصاد بین علوم طبیعی و علوم تجربی قرار می‌گیرد.

**مبانی نظری مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک**  
در مکتب کلاسیک، براساس ایده آلیسم فلسفی

مکانیزم و یا مدافع ناتوانی آن به بررسی و مباحثه پرداخته‌اند. نظریه پردازی‌های موجود در اقتصاد به جز نظریه «کینز» اصولاً به سمت عرضه کل تأکید داشته و معتقد بودند همواره تعادل در اشتغال کامل منابع و عوامل تولید اتفاق خواهد افتاد. «کینز» نظرها را به سمت تقاضا تغییر داد. لیکن شیوه بررسی و ندیدن کاستی‌های واقعی مکانیزم بازار باعث شد که این نظریه نیز از جهت انطباق با واقعیت‌ها با مشکل مواجه شود. غالباً سیاست‌های توصیه شده موجب افزایش قیمت‌ها و گاه، تورم مداوم می‌گردد. ناکارآمدی اقتصاد مبتنی بر بازار منحصر به دلایلی که طرفداران «کینز» آرایه می‌کنند نیست بلکه عوامل و دلایل بنیادی دیگری در این ناکارآمدی نقش دارند که در مقاله به آنها پرداخته می‌شود.

## زمینه متدولوژیک<sup>۲</sup>

اقتصادیکی از معارف بشری است که موضوع آن شناخت و بررسی پدیده‌های اقتصادی و روابط بین آنها است که بر اثر رفتار دلیل‌مند انسان برای تأمین نیازهای مادی وی صورت می‌گیرد. نظریه پردازی در اقتصاد عبارت است از شناخت، ارزیابی و کشف روابط بین پدیده‌های اقتصادی و هدف هر نظریه آرایه شده توضیح ساز و کاری است که به شرایط و وضعیت مطلوب جامه عمل بپوشاند. این امر ممکن نمی‌شود مگر آن‌که استنباط نظریه پرداز،

۲- این بخش از یادداشت‌های درس «متدولوژی علم اقتصاد» که توسط استاد گرامی جناب آقای دکتر شریف‌آزاده در مقطع دکتری تخصصی اقتصاد در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی آرایه گردیده استخراج شده است.

مکتب بازار رقابت کامل است. در مدل کلاسیکی عرضه مستقل از قیمت تعیین می‌شود. در این مدل سیستم قیمت‌ها نقش اصلی را برعهده دارند و «تعدیل قیمت‌ها» باعث «تسویه بازارها» از جمله بازار کار می‌گردد. به این ترتیب نقش اندکی برای «دولت» در مدیریت کلان اقتصادی باقی می‌ماند. «لسترتارو» عقیده دارد در نظام سرمایه‌داری توزیع قدرت خرید تعیین می‌کند که چه کالاها و خدماتی تولید شوند، چه کسانی مزد و حقوق بگیرند و چه کسانی از کالاها و خدمات بهره‌مند گردند.<sup>۳</sup>

مارژینالیست‌ها متأثر از افکار «میل» و «بنتام» توجه خود را به اصل مطلوبیت نهایی ناشی از مصرف کالاها و خدمات معطوف داشتند. به این ترتیب این صاحب‌نظران توجه خود را از عرضه به تقاضای نهایی تغییر دادند. گروهی از نئوکلاسیک‌ها استدالات ریاضی را جایگزین استدالات منطقی کلاسیکی نموده و مفهوم تابعیت را به جای مفهوم علیت به کار برده‌اند. گرچه می‌دانیم که وقایع اقتصادی همیشه وقایع مقداری نیستند بلکه برخی از آنها روانی بوده و قابل تقویم به مقدار نمی‌باشند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که روش‌شناسی علم اقتصادی منحصر در برخورد ریاضی با مقولات اقتصادی نیست. به هر حال الگوی فردگرایی نئوکلاسیکی به این امر می‌پردازد که افراد در امکانات تحرک و آزادی عمل مورد نظر در این مکتب محدود می‌باشند و از امکانات

و با اعتقاد به کارکرد قطعی ذهن عقیده بر آن است که جهان خارج را می‌توانیم به آن‌گونه که می‌خواهیم بسازیم. در این تفکر، جامعه ساخته ذهن انسان است و هر تحول در جامعه به تحول در ذهن انسان مربوط می‌شود. یعنی در این شیوه تفکر، اصالت فرد و قطعیت و یقین تصورات ذهنی او به‌عنوان مبنا و پایه مطرح می‌شود.

اقتصاددانان کلاسیک با قبول اصول زیر برای همه انسان‌ها:

(۱) آزادی

(۲) استقلال

(۳) برابری

عقیده دارند که نفع شخصی انگیزه درونی انسان برای فعالیت است از آنجا که هر کس می‌کوشد تا از استعدادهای خود حداکثر استفاده را ببرد، لذا این امر باعث شکوفایی استعدادها می‌شود که حاصل آن «تقسیم کار» براساس «تخصص» است. در این تفکر آزادی عمل انسان‌های عاقل و مختار در جهت حداکثر نمودن منافعشان باعث می‌شود که جامعه به بیشترین منافع دست یابد. «مبادله» باعث شکل‌گیری «بازار» می‌شود برای مبادله نیاز به رابطه مبادله یا «پول» است. مقدار پول مورد نیاز به «قیمت» بستگی دارد. پول به خودی خود خنثی است ولی قیمت «شاخص رفتار» می‌باشد که تغییرات آن همان «مکانیزم قیمت» است. انسان در شرایط آزادی کامل و برای انتخاب صحیح باید اطلاعات کامل داشته باشد. بازار ایده‌آل در این

۳- تارولستر، آینده سرمایه‌داری، ترجمه عزیزکیاوند، ناشر نشر دیدار

یک پدیده پولی است. به عقیده صاحب نظران این مکتب سیاست پولی و سیاست مالی بر روی سطح محصول حقیقی به طور مؤثر نمی‌تواند اثر داشته باشند ولی سیاست پولی دارای اثر مستقیم بر روی سطح قیمت‌ها است. از نظر «فریدمن» کارآیی سیاست مالی مشروط است و این سیاست تنها زمانی می‌تواند مؤثر باشد که با تغییرات مناسب در حجم پول همراه گردد.

### اصول فکری مکتب کلاسیک جدید

متفکرین این مکتب با بیان دو فرض بنیادین، شفافیت بازارها که ناشی از اطلاعات کامل عوامل تولید می‌باشد و فرضیه انتظارات عقلایی عقیده دارند که چون عوامل اقتصادی از پارامترها و سیاست‌ها و متغیرهای اقتصادی و آثارشان به همان خوبی طراحان و اقتصاددانان مطلع هستند، بنابراین اتخاذ سیاست به‌طور منظم و از قبل اعلام شده قادر نیست مسیر تولید و اشتغال را تغییر دهد. به‌بیان دیگر تنها شوک‌های تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی می‌تواند بر متغیرهای اقتصادی و بر رفتار عوامل اقتصادی تأثیر بگذارد. در این مکتب مبانی اقتصاد کلان بر بنیان‌های روشن و دقیق اقتصاد خرد ساخته می‌شود که در آن، افراد مطلوبیت خود و واحدهای تولیدی سودشان را حداکثر می‌سازند. از طرفی واحدهای اقتصادی به اشتباهات گذشته خود توجه نموده و چنانچه ضروری باشد در رفتار انتظاری خویش تجدیدنظر خواهند نمود. طرفداران این مکتب معتقدند که بازارها به‌طور مداوم در تعادل هستند و هیچ عاملی وجود ندارد که

محدود، آن را انتخاب می‌کنند که منافع فردی آنان را حداکثر سازد. ابزار چنین تصمیم‌گیری توابع سود و مطلوبیت هستند.

### مبانی نظری مکتب پولی

صاحب نظران این مکتب در چارچوب تفکرات کلاسیکی به آزادی کامل در فعالیت‌های اقتصادی و حاکمیت بازار آزاد معتقد بوده از هر عامل انگیزشی در امر سرمایه‌گذاری و کسب سود حمایت می‌نمایند. از نظر این صاحب نظران، عدم مداخله دولت در اقتصاد ضروری است. تأکید بر نقش پول در اقتصاد و بیان مفهوم نرخ طبیعی بیکاری از مشخصه‌های نظریات طرفداران این مکتب است. به نظر «میلتون فریدمن» نرخ طبیعی بیکاری آن نرخ است که در آن نرخ تورم واقعی و نرخ تورم انتظاری برابر می‌گردند.

طرفداران این مکتب در مورد نقش پول عقیده دارند که در کوتاه‌مدت تغییرات در عرضه پول می‌تواند بر متغیرهای واقعی در اقتصاد تأثیر گذاشته و اثرات انبساطی یا انقباضی را به وجود آورد. در مقابل، در بلندمدت افزایش حجم پول فقط قادر است بر تورم تأثیر داشته باشد بدون آن‌که بتواند تأثیری بر تولید بگذارد. به همین دلیل چنانچه اقتصاد به حال خود رها گردد، دارای ثبات بیشتری خواهد بود تا موقعی که دولت دخالت کرده با سیاست‌های احتیاطی خود بخواهد آن را مدیریت کند. به بیان دیگر دلیل عمده پیدایش نوسانات اقتصادی به خاطر اتخاذ سیاست‌های نادرست دولت است. به نظر اینان تورم همیشه و در همه جا

متزلزل کرد. شاخه‌هایی از علوم اجتماعی که تازه از راه رسیده بودند به سادگی خود را با دیدگاه جدید تطبیق دادند. ولی آن گروه از علوم اجتماعی که ریشه‌های عمیق معرفت شناختی در مکتب دکارتی داشتند، نتوانستند به سادگی روش‌های خود را دور اندازند. به ویژه اقتصاد به روش از پیش طرح‌ریزی شده خود ادامه داد<sup>۵</sup>.

ب - سلطه روابط اقتصادی باعث کم رنگ شدن مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌گردد و این‌گونه مسائل در چهارچوب روابط اقتصادی معنادار می‌شود. نفع شخصی انگیزش اصلی و شرط لازم برای رسیدن به یک نظام اقتصادی - سیاسی مطلوب می‌باشد. در نظام ایده‌ال، آزادی طبیعی نقش تعیین کننده‌ای دارد و برای نیل به آزادی رقابت و نظم، همکاری عمومی ضرورت دارد. این عامل مغایر فردگرایی مطلق در این مکتب است.

ج - منافع فرد و اجتماع و هماهنگی آن دو از مباحثی بود که «اسمیت» بر آن تأکید داشت اما با توجه به وجود انحصار و سیری ناپذیری سرمایه‌دار و سودجویی و برتری طلبی او، نظریه هماهنگی منافع خیلی زود به فراموشی سپرده شد. همچنین در هماهنگی منافع بین‌المللی می‌توان بحث سلطه فنی را مطرح نمود که یقیناً در زمان «اسمیت» و در قرون گذشته این پدیده وجود نداشت. بحث تسلط بر بازارها از مباحث مدرن است که باید به آن پرداخته شود. همین‌طور پدیده ادوار تجاری با

مانع شفافیت بازار شود. مگر عوامل غیرقابل اجتناب و تصادفی که باعث به وجود آمدن خطاهای انتظاری می‌گردد. به نظر صاحب‌نظران این مکتب علت وقوع ادوار تجاری، اطلاعات ناقص است. بخش خصوصی تا حد ممکن بهینه عمل نموده، بنابراین هیچ نقشی برای دخالت دولت در اقتصاد وجود ندارد. سیاست‌های قابل پیش‌بینی دولت نمی‌تواند بر روی محصول حقیقی تأثیر داشته و تنها می‌تواند بر ارزش‌های اسمی تأثیر بگذارد. بنابراین مدل کلاسیک‌های جدید با توجه به انتظارات و خطاهای تصادفی از مدل کلاسیکی متمایز می‌گردد.

## ارزیابی و نقد نظریات کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها

الف - «پیرو - مینی» معتقد است که: «در اقتصاد کلاسیک، آزادی در عمل و در نتیجه‌گیری‌ها به فراموشی سپرده می‌شود. در این مرحله عوامل اقتصادی در نهایت همگنی رفتار می‌کنند چون همه آنها برده نیروهای برترند. آنها به معنی واقعی کلمه هیچ انتخابی انجام نمی‌دهند. سرانجام عوامل اقتصادی آن‌طور که باید عمل می‌کنند. یعنی مطابق با مقتضیات قواعد منطقی»<sup>۴</sup>. این نویسنده در ادامه بیان می‌دارد که «فلسفه قرن نوزدهم با انکار دیدگاه دکارتی، پایه‌های تمام رشته‌هایی را که بر روش‌شناسی دکارتی استوار بود

۴- مینی - پیرو فلسفه و اقتصاد ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر ناشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی سال ۱۳۷۵ تهران - ص ۶۴

۵- همان مأخذ ص ۲۸۰

که قیمت کالای عرضه شده‌اش بیش از قیمت رقابتی بازار باشد، طرد خواهد شد. به این ترتیب یا باید از تولید کالای مورد نظر خارج شود و یا قیمت خود را در حد رقابتی پایین آورد که به معنی کاهش در سود است. پس کار فرمای تولید کننده باید به دنبال روش‌های دیگری برای افزایش سود خود باشد. به تعبیری که «تارو» دارد، یا باید از طریق انجام تحقیقات، تکنولوژی تولید را در جهت افزایش بازدهی عوامل تغییر دهد و یا آنکه از دستمزد کارگران به کاهش کارگرانی که حاضر به دریافت مزد کمتری نیستند، اخراج می‌شوند. به این ترتیب همیشه کارگرانی وجود دارند که تمایل به اشتغال با دستمزد کمتر دارند. در تحلیل این دو رفتار ملاحظه می‌کنیم که تحقیقات همواره هزینه‌هایی را دربردارد. از طرفی انجام این هزینه ممکن است به نتایجی منجر شود که برای کارفرمای اقتصادی مفید باشد. اما آیا این کارفرما با اطلاعات به دست آورده به صورتی رقابتی عمل می‌کند؟ یقیناً چنین نخواهد بود. هیچ کارفرمای اقتصادی نمی‌تواند نتیجه تحقیقات خود در زمینه بهبود روش‌های تولید، دسترسی به عامل جدید تولیدی، روش‌های معرفی یا موارد مصرف نوینی از کالاها و یا تولید کالای جدید را به راحتی در اختیار رقبا قرار دهد. کارفرمایان می‌توانند به مدتی طولانی روش‌های ابداع شده را به نام خود به ثبت رسانده به صورتی انحصاری از آن استفاده کنند. دولت‌ها موظف به حفظ این حق هستند. نتیجه این توضیح، نقض یکی از فروض و اصول بازار رقابتی است. اختلاف در

فرض تعادل دائم بازار که مکانیزم قیمت آن را تضمین می‌کند سازگاری ندارد. این مطلب خود نظریه عدم دخالت دولت در اقتصاد را تحت الشعاع قرار می‌دهد و نقش دولت‌ها را برای جلوگیری از این نابسامانی‌ها توجیه می‌کند.

د - در بازار، انسان به عنوان تقاضا کننده و همچنین به عنوان عرضه کننده، فعال می‌باشد. حداکثر خواهی انسان در هر دو بُعد رفتاری و هر دو نقش او متکی بر آزادی در انتخاب، استقلال در تصمیم‌گیری و دارا بودن شرایط یکسان و برابر با سایر انسان‌ها در کسب مالکیت و برآوردن نیازهایش متجلی می‌گردد. شرایط رقابتی بدین سان شکل می‌گیرد. این رفتارها از یک طرف به مکانیزم‌های اقتصاد بازار و از طرف دیگر به فروض لیبرالیستی در رفتار اجتماعی می‌انجامد. از آنجا که تصمیمات فردی عوامل اقتصادی به عنوان اعضای آزاد، مستقل و برابر تابع سلیقه و ترجیحات آنان است که سلیقه و ترجیحات با تحول در فرد و متناسب با عوامل ذهنی مختلف تأثیرگذار بر رفتار و تصمیمات تغییر می‌یابد، همچنین ترجیحات مصرف کنندگان کاهش قیمت را به عنوان عاملی در جهت حداکثر کردن منافع مصرف کنندگان می‌شناسد، بنابراین نوسانات در مصرف و تمایل مصرف کننده به کاهش قیمت از جمله عواملی هستند که باعث اختلال در تداوم رقابت می‌شوند.

ه - تولید کنندگان نیز در جهت کسب سود محدودند زیرا قیمت کالا نمی‌تواند از قیمت شرایط رقابتی افزون‌تر باشد. چون تولید کننده‌ای

اطلاعات کارفرمایان یقیناً شفافیت بازار را نقض می‌کند و در نتیجه بازارها به خودی خود نمی‌توانند تسویه شود.

و - از طرفی دیگر در صورتی که نتیجه تحقیقات و بهبود تکنولوژی در جهت افزایش بهره‌وری نیروی کار باشد، بخشی از نیروی کار به دلیل نداشتن مهارت کافی از کار برکنار می‌شوند. پس کارفرمایان همواره با کارگرانی مواجه هستند که در دستمزد کمتر تمایل به کار دارند. حاصل این می‌شود که دستمزد در حداقل معیشت برای کارگران تثبیت می‌شود. چیزی که به عنوان «قانون مفرغ دستمزدها» در دیدگاه کلاسیک‌ها مشهور است. در نقد این تحلیل ملاحظه می‌شود که از یک طرف کارفرمای اقتصادی به دنبال حداکثر نمودن سود خود است، بخشی از نیروی کار از کار برکنار می‌شوند و از طرف دیگر تمایل به این حداکثر سازی، کارفرمایان را وادار به حفظ اطلاعات می‌کند. پس هم توزیع درآمد به گونه‌ای نامتعادل صورت می‌گیرد و هم شفافیت بازار و کامل بودن اطلاعات عوامل اقتصادی نقض می‌شود. دلیل این امر آن است که مصرف کننده در بازار - به دلیل شرایط یا اصول اقتصادی بازار - به صورتی انفرادی در جهت حداکثر شدن مطلوبیت خود اقدام می‌کند. تصمیمات و رفتار او تنها متأثر از ذهنیت وی نخواهد بود بلکه قیمت کالاها و درآمد فرد در تصمیمات وی مؤثرند. بخش عمده‌ای از درآمد مصرف کننده ناشی از کار او است و دیدیم که بازار کار از ثبات برخوردار نیست. عامل بسیار مهمی که در اینجا نادیده گرفته می‌شود وضعیت

اطلاعات در بازار کار است در اقتصاد بازار فرض بر آن است که اطلاعات همه عوامل اقتصادی کامل است یعنی نیروی کار از همان اطلاعات که تولید کننده در اختیار دارد، مطلع است. در مباحث بالا ملاحظه شد که تولید کننده سعی در حفظ و عدم افشای اطلاعات دارد و تحقیقات و بهبود تکنولوژی به بیکاری نیروی کار غیرماهر منجر می‌شود، بنابراین انتخاب بهینه معنی ندارد.

ز - رفتار مصرفی افراد مصرف کننده در بازار برآیندی از نیروهای درونی و بیرونی وی است. نیروهای درونی را می‌توان اطلاعات، سلیقه و ترجیحات و انگیزه‌ها دانست و نیروهای بیرونی عمدتاً شامل درآمد فرد، قیمت کالاها و سایر عوامل مؤثر در تقاضا نظیر قیمت سایر کالاها، میزان کالای در دسترس، انتظارات تغییرات قیمت در آینده و سایر موارد مشابه دانست. نوسانات مصرفی ناشی از تغییر این عوامل، رفتار تولید کنندگان را نیز متأثر خواهد نمود و این یعنی حاکمیت مصرف کنندگان در بازار. به بیان «تارو» رقابت به مفهوم گرفتن فرصت کسب درآمد از دیگران و بیرون راندنشان از بازار تعریف می‌شود.

ح - مغایرت دیگر رفتارها را در تفاوت در توزیع قدرت خرید می‌توان دید. در دیدگاه اقتصاد بازار، در کسب سود هرکس می‌تواند به قدری تلاش کند که تمام سود ایجاد شده را از آن خود کند و بقیه مردم با حداقل درآمد زندگی کنند. این نابرابری در نهایت به «بقای اصلح» و حکومت شایستگان اقتصادی - کسانی که همه سود را فقط برای خود خواسته‌اند - می‌انجامد. یعنی از دیدگاه

دوران صنایع انسان ساخته مبتنی بر نیروی مغزی است، تولیدات با ابزارها و تجهیزات پیچیده‌ای انجام می‌شوند که خود نتیجه تحقیقات علمی هستند. با تحول در این ابزارها، برای انجام بسیاری از کارها طی دوره‌های تخصصی لازم است. نیروی کار با کسب مهارت در یک کار، حاضر به انجام کار در بازاری که متناسب با تخصص او نبوده ولی با عدم تعادل مواجه است، نمی‌باشد. یعنی در این حالت با عدم جابه‌جایی نیروی کار به علت تخصص بالاتر، بازارها تسویه نمی‌گردند. و این به معنی عدم کارآیی اقتصاد بازار است. نتیجه عدم تسویه بازارها این است که در یک بازار دستمزدها به شدت کاهش می‌یابند و در بازار دیگر و در مشاغل دیگر دستمزدها به شدت افزایش می‌یابند. این عامل نیز دلیل دیگری بر عدم کارایی اقتصاد بازار است.

ی - توزیع قیمت کالاها و خدمات هر چه باشد مزد کارگران یکسان نخواهد شد. مزد و حقوق افراد متفاوت است. این تفاوت دلایل متعددی دارد از جمله می‌توان به، تفاوت در استعداد افراد نیروی کار، انجام سرمایه‌گذاری‌های نابرابر در کسب مهارت‌های فردی، داشتن علایق نابرابر در صرف وقت و توجه به کسب درآمد، نداشتن فرصت‌های یکسان کاری (مثلاً سفید در برابر سیاه) تفاوت در شرایط اولیه آغاز به کار (از موضع فقر یا غنا) و بالاخره آن‌که بخت، همه را یکسان یار نیست. «تارو» اشاره دارد که اگر دولت در کار بازار دخالت نکند و به یاری نازندگان نشتابد، راهی که باقی می‌ماند این است که مستمندان را از جامعه

اقتصاد بازار، آزادی مطرح شده در نهایت به حاکمیت صاحبان ثروت می‌رسد و این یعنی رسیدن به انحصار.

ط - یکی دیگر از فروض اقتصاد بازار آن است که عوامل تولید را می‌توان با نسبت‌های متفاوت در تولید کالا و خدمات مختلف به کار گرفت. به بیان دیگر، انعطاف‌پذیری عوامل تولید در ترکیب عوامل باعث می‌شود تا همه عوامل را در تولید همه کالاها بتوان به کار برد. نهایتاً با فروض اقتصاد بازار به علت تحرک‌پذیری کامل عوامل تولید، این عوامل به طریقی در تولید کالاها ترکیب می‌شوند که حداکثر کارآیی را داشته باشند. به این ترتیب هیچ عاملی بیکار نمی‌ماند و همه بازارها تسویه می‌شوند. در این وضعیت توزیع درآمد به گونه‌ای است که به هر عامل به اندازه ارزش تولید نهایی او پرداخت می‌شود. در این مورد چند مطلب قابل بررسی است. مهم‌ترین مطلب توجه به این مسأله است که بازارهای مختلف نباید همگن و یکسان تصور شوند. به عنوان مثال بازار کار را در نظر می‌گیریم. بازار کار هرگز بازاری با عوامل یکسان نیست. در این صورت فرض تحرک‌پذیری نیروی کار فرضی غیراصولی است. همچنین تفکیک‌پذیری این بازار به دلیل اختلاف در کیفیت و تخصص نیروی کار به معنی آن است که جابه‌جایی عوامل در اکثر موارد غیرممکن می‌باشند. یعنی این تفکیک‌پذیری باعث می‌شود که کارآیی نظام بازار مورد سؤال قرار گیرد چرا که شرط تسویه بازارها جابه‌جایی عوامل است. در شرایط تولیدی دوران حاضر که به تعبیر «تارو»



بیرون بریزیم.

ک - «تارو» در جای دیگر بیان می‌کند که: مرزها فقط به بازدهی یا بهره‌وری شخصی بستگی ندارد و بعد از ذکر مثالی نتیجه می‌گیرد که وقتی انسان‌ها به صورت گروهی کاری را انجام می‌دهند، بازدهی و بهره‌وری دیگر اعضای گروه در کسب منافع اعضاء اثر می‌گذارد و نتیجه بیان «تارو» این است که ارزش دانش و اطلاع هر شخص بستگی به این دارد که آن را با چه درجه‌ای از زیرکی و هوشمندی به کارگیرد. بزرگترین ضعف اقتصادهای سرمایه‌داری این است که در این نظام هرکس به فکر خویش است. سرمایه‌داری به‌طور ذاتی افق زمانی کوتاهی دارد. در این نظام هنوز هم برای دخالت دولت دلیلی وجود دارد. در بسیاری از موارد برای اشاعه رشد و توسعه و شتاب بخشیدن به آن باید زیر بناهای حمل و نقل، ارتباطات، برق‌رسانی، پیش از ایجاد بازار ساخته شوند. همانطور که می‌دانیم اینها از اولین وظایف دولت‌ها تلقی می‌شوند؟

صاحب‌نظران مکتب نئوکلاسیک همانند کلاسیک‌ها با توجه به مسأله آزادی و رقابت و همچنین با تاکید بر نقش کارفرمای اقتصادی عقیده دارند که تصمیمات عوامل اقتصادی واقعی است و این تصمیمات نهایتاً هماهنگ با فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد. یعنی همانطور که در پدیده‌های طبیعی هماهنگی وجود دارد و به همان ترتیب فعالیت‌های ماشین با هماهنگی کامل صورت

می‌پذیرد، رفتار انسان و تصمیمات او نیز واقعی بوده و تصمیمات باید طوری صورت بگیرد که باید باشد. به بیانی دیگر رفتار انتظاری انسان رفتاری جبری است. از نظر اینان شفافیت بازارها همراه با آزادی و رقابت به کارکرد مطلوب بازار منتهی می‌شود. کارکردی که کوچکترین دخالت دولت در آن، عدم تعادل به وجود می‌آورند.

الف - فروض اطلاعات کامل و شفافیت بازار از جمله مواردی است که قابل استناد بودن آن محل اشکال است. همانگونه که در دیدگاه کلاسیکی مطرح شد اطلاعات عوامل اقتصادی معمولاً ناقص است. به همین دلیل تصمیماتی که بر اطلاعات ناقص متکی باشد نمی‌تواند تصمیمات واقعی تلقی گردد. یعنی عملکرد مطلوب بازار نیز محل تردید خواهد بود. در این مورد می‌توان به نظر «هایک» اشاره کرد. او عقیده دارد بر خلاف نظر کلاسیک‌های جدید که در اختیار داشتن اطلاعات کامل از فروض اولیه آن تلقی می‌گردد، مسأله اصلی دقیقاً فقدان چنین شناخت و اطلاعاتی است. به عقیده وی فروض اولیه نئوکلاسیک نه تنها غیر واقعی است، بلکه مهمتر از آن، موجب غفلت از طرح مسأله اساسی در اقتصاد بازار یعنی چگونگی استفاده کارآمد از اطلاعات پراکنده است. یعنی مسأله استفاده از معلوماتی است که در کلیت خود برای هیچ کس داده شده نیست. بنابراین مسأله اصلی عبارتست از چگونگی ایجاد هماهنگی بین تصمیمات افرادی که هیچ کدام از

لحاظ سلیقه، اطلاعات و توانائی‌ها به دیگری شباهت کامل ندارند.

ب- بر عکس عقیده رایج که مدعی است (رقابت افراد را وادار می‌کند که برای بقاء و موفقیت خود کردار عقلائی داشته باشند) هاید معتقد است که عقلانیت پیش شرط رقابت نیست بلکه رفتار عقلائی محصول رقابت است. یعنی پیدا کردن روش‌هایی بهتر از روش‌های متداول، مسیری است که توانائی تفکر طی آن توسعه می‌یابد.

ج- دیدگاه آمارتیاسن در مورد برخی فروض کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها<sup>۷</sup>

«آمارتیاسن» در مورد رفتار عقلائی مورد تاکید در دیدگاه اقتصاد دانان طرفدار اقتصاد بازار بیان می‌کند که: فرض رفتار عقلائی نقش مهمی در علم اقتصاد مدرن ایفاء می‌کند. حتی اگر توصیف رفتار عقلائی را در اقتصاد سنتی کاملاً صحیح بدانیم، باز هم لزوماً به معنای پذیرش این فرض نیست که انسان‌ها فی الواقع مطابق با توصیف عقلانی‌ای که از آنان می‌شود رفتار می‌کنند<sup>۸</sup>. او بیان می‌دارد که در اقتصاد دو تعریف از عقلانیت رفتار ارایه می‌شود. در یک تعریف، عقلانیت سازگاری درونی‌گزینه‌ها است و در تعریف دیگر، عقلانیت حداکثر کردن نفع شخصی است. «سن» در تعریف دوم عقلانیت بیان می‌دارد که: چرا باید عقلانیت منحصراً تعقیب نفع شخصی به معنی حذف تمام اهداف دیگر تعریف شود؟ البته این

ادعا که حداکثر کردن نفع شخصی غیر عقلانی نیست، ممکن است اصلاً ادعای مهملی نباشد. اما این استدلال که هر چیز جز حداکثر کردن نفع شخصی بایستی غیر عقلانی به حساب آید، کاملاً شگفت‌انگیز است.

وی در جای دیگر بیان می‌دارد که دیدگاه معطوف به نفع شخصی از عقلانیت منجمله متضمن طرد قاطع دیدگاهی است که انگیزه را مبتنی بر «اخلاق» می‌داند. به بیان دیگر یک اقتصاد بازار آزاد هرگز درباره این که کارگزاران چنین اقتصادی چه انگیزه‌ای برای عملکردشان دارند، چیزی نمی‌گوید. با تحول در اقتصاد مدرن، اهمیت رویکرد اخلاقی کم و کمتر شده است. به عقیده وی اقتصاد مدرن به خاطر فاصله‌ای که میان آن و اخلاق به وجود آمده، تضعیف گردیده است. او در مورد گرایش به اقتصاد رفاه عقیده دارد که پیشنهاد‌های کلاسیک اقتصاد رفاه مدرن به مجموعه عواملی وابسته‌اند که از سوئی بر فرض رفتار هدفمند متکی هستند و از سوئی دیگر بر داوری نسبت به دست آورده‌های اجتماعی به تعبیر «سن» وضعیتی می‌تواند «بهینه پارتو» باشد که در آن برخی انسان‌ها در فقر کاملی به سر برند و بعضی دیگر غرق در تجملات باشند و نتوان وضع فقرا را بهبود بخشید مگر آن که به تجمل اغنیاء دست زد. بهینگی «پارتو» را گاهی کارائی اقتصادی نیز نامیده‌اند. این نام گذاری از این نقطه نظر مناسب

۷- سن آمارتیا- اخلاق و اقتصاد، ترجمه حسن فشارکی، انتشارات شیرازه، سال ۱۳۷۷ تهران

۸- سن، آمارتیا، اخلاق، اقتصاد، ترجمه حسن فشارکی، انتشارات شیرازه سال ۱۳۷۷ تهران، صفحات ۱۲ تا ۹۰

رفاه ارایه می‌دهد.

۳- علاوه بر دست آورده‌های یک شخص، آزادی او را نیز می‌توان با ارزش دانست در نهایت آن که ممکن است ملاحظات اخلاقی چیز دیگری غیر از رفاه شخصی را توصیه نماید و انجام آن ممکن است به واکنش‌هایی بینجامد که رفاه شخصی را بر مبنائی گسترده‌تر از مصرف او قرار دهد.

د- نقد تابع تولید نئوکلاسیکی

در بررسی‌هایی که توسط دکتر اکبر نفری در مورد تابع تولید نئوکلاسیک صورت گرفته، برخی نتایج به دست آمده که با دیدگاه‌های اقتصاد متعارف هم خوانی ندارد. این بررسی در سه شماره مختلف نشریه اقتصاد و مدیریت از انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی به چاپ رسیده‌اند. در نخستین مقاله<sup>۹</sup> ضمن تشریح فرض تئوری تولید و توزیع نئوکلاسیک به این مسأله پرداخته شده که: در تولیدی که با سرمایه و کار انجام می‌گیرد محصول‌های نهائی نمی‌توانند نیروهای تعیین‌کننده توزیع درآمد (تولید) بین سود (نرخ بهره) و دستمزد را بیان نمایند، زیرا مقدار سرمایه مورد استفاده در تولید به توزیع درآمد بستگی دارد. در نتیجه در یک اقتصادی که برای تولید کالا یا کالاهای مربوطه بیش از یک تکنیک تولید وجود داشته باشد، تغییرات در نرخ بهره ممکن است موجب یک «انحراف حرکت» شود. در مکتب

است که منحصرأ با کارآیی در فضای فایده‌ها سروکار دارد و هیچ توجهی به ملاحظات مربوط به توزیع فایده ندارد. با فرض رفتار معطوف به نفع شخصی، ساز و کار بازار انگیزه خوبی را برای هر فرد فراهم می‌کند تا با در نظر گرفتن نعمات اولیه خود، گزینشی مناسب انجام دهد. اما سازوکار مشابهی که بر مبنای آن مردم تمایلی به در اختیار گذاشتن اطلاعات داشته باشند که بتوان براساس آنها میان وضعیت‌های مختلف که همه شان نیز بهینه («پارتو») هستند، یکی را انتخاب نمود و نیز توزیع اولیه مناسبی را تعیین نمود، وجود ندارد. سازوکارهای معمولی اختصاص منابع غیر متمرکز نیز برای کسب اطلاعات لازم کارآمد نیست.

از آنجا که نظریه‌ای که فایده را تنها منبع ارزش می‌داند، بر یکی بودن فرض فایده و رفاه مبتنی است. لذا به دو دلیل می‌توان از آن انتقاد نمود:

۱- به این دلیل که فایده یگانه چیز ارزشمند نیست  
۲- به این دلیل که فایده به اندازه کافی نشانگر رفاه نیست.

در نتیجه می‌توان بیان کرد که سه محدودیت دیدگاه اصالت فایده شناسائی شده‌اند. این سه محدودیت که اساساً مستقل از یک دیگر هستند عبارتند از:

۱- بایستی تمایز قائل شویم میان جنبه رفاهی و جنبه رفتاری یک فرد  
۲- نظریه اصالت فایده دیدگاهی ناکامل از

۹- نفری اکبر پیرامون اهمیت تئوری توزیع در آمد نئوکلاسیک، نشریه اقتصاد و مدیریت از انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شماره ۲۰ و ۲۱

کلاسیک توزیع درآمد متاثر از قوانین و عرف حاکم بر اجتماع به عنوان مثال حق مالکیت و روابط اجتماعی می‌باشد در حالی که در مکتب نئوکلاسیک شرایط مبادله را به منزله تعیین کننده عمده توزیع درآمد در نظر می‌گیرند. گویا توزیع درآمد مستقل از قوانین حاکم بر اجتماع و روابط اجتماعی است. نویسندگان در این مقاله به این نتیجه مهم می‌رسد که رابطه بین دستمزد و نرخ بهره رابطه‌ای غیر خطی است. همچنین کالاهای سرمایه‌ای ناهمگن بوده در نتیجه امکان تغییر ناگهانی مضاعف تکنیک تولید را موجب می‌شوند. در نتیجه یک سیستم ممکن است هم در نرخ بهره پایین، و هم در بالاترین محدوده نرخ‌های بهره سودآورترین سیستم تولید باشد. این بررسی اختلاف کاملاً آشکاری بین نتایج حاصله از این بحث و مفهوم تئوری سنتی درآمد و مفهوم تابع کلی تولید نئوکلاسیکی که در آن یک رابطه معکوس و یکنواخت نسبت سرمایه به کار و قیمت‌های عوامل (کار و سرمایه) وجود دارد را مشخص می‌کند. بنابراین بررسی توزیع درآمد (تولید) باید از شرایط تولید نه شرایط مبادله و شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه مربوطه شروع شود. نویسندگان در مقاله دوم خود<sup>۱۰</sup> به بررسی نظریه توزیع درآمد نئوکلاسیکی می‌پردازد. به بیان وی اقتصاددانان نئوکلاسیک تلاش فراوان به عمل آورده‌اند تا نظریه توزیع درآمد را به مثابه حالت

خاصی از نظریه قیمت ارایه دهند. به این معنی که نیروهای غیر شخصی بازار است (نه روابط انسان‌ها) که تعیین می‌کند چه کسی چه سهمی از یک را داشته باشد. در نظریه سنتی توزیع درآمد فرد به مثابه یک اتم اصلی و ترجیحات او به مثابه اطلاعات نهائی مسأله تلقی می‌شود. در ارتباط با نیروهای مؤثر بر تقاضا، افراد به صورت واحدهای مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند. نظریه توزیع نئوکلاسیک که براساس نظریه بهره وری نهائی استوار است بحث کارآیی بهینه را با یک تقسیم بندی صریح و آشکار - بخش تولید کننده و بخش مصرف کننده - شروع می‌کند.

نویسندگان در بخش نتیجه‌گیری این مقاله عنوان می‌کند که: در نظریه توزیع درآمد نئوکلاسیک سرمایه به مثابه یک عامل تولید، یا دقیق‌تر، به عنوان یک موضوع فیزیکی خالص در نظر گرفته می‌شود. اما اضافه بر این جنبه فیزیکی، سرمایه یک جنبه اجتماعی نیز دارد. زیرا وقتی از توزیع درآمد ملی صحبت می‌شود. منظور این است که بخشی از درآمد ملی به صورت سود (بهره) به صاحبان سرمایه و بخش دیگر به صورت دستمزد به ارایه‌کنندگان کار، یعنی مزد بگیران پرداخت می‌گردد. به همین دلیل است که زمانی می‌توان ابزار تولید را سرمایه تلقی کرد که به غیر کارگران تعلق داشته باشد که به نوبه خود یک رابطه اجتماعی را بیان می‌کند. اما در نظریه توزیع درآمد

۱۰- نفری - اکبر نقدی بر نظریه توزیع درآمد نئوکلاسیک، نشریه اقتصاد و مدیریت از انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شماره ۲۸ و ۲۹ بهار و

تابستان ۱۳۷۵ - تهران، صفحات ۵۹ تا ۷۰

خودکفائی، محل تماس منحنی بی تفاوتی جامعه با منحنی امکانات تولید، تعادل در عرضه و تقاضای کل و در نتیجه بهینه ((پارتو)) را نشان می دهند. ولی باید توجه داشت که بهینه ((پارتو)) یک معنی بسیار مهمی را با خود حمل می کند و آن این است که ظاهراً یک توافق اجتماعی پیرامون آنچه که در اقتصاد تولید می شود وجود دارد و لذا برای افراد مختلف جامعه هیچ تفاوتی نمی کند که از این یا از آن کالا بیشتر تولید شود. اما می دانیم که افراد یک جامعه به دلایل مختلف از جمله اختلاف در شرایط اقتصادی و درآمد شان کالاها را به نسبت های مختلف مصرف می کنند و تمایل شان نسبت به مصرف این یا آن کالا متفاوت است. بنابراین تغییر در توزیع درآمد مسلماً تقاضای نسبی برای این یا آن کالا را تغییر می دهد.

در تابع تولید نئوکلاسیک، سطح تولید و توزیع درآمد بین دریافت کنندگان سود و دریافت کنندگان دستمزد توسط دو عامل نیروی کار و سرمایه که ((داده شده)) فرض می شوند، تعیین می گردد. البته می دانیم که کار به مثابه یک عامل تولید ساخته بشر نمی باشد، لذا در اقتصاد به داشتن بخش مولدی که در آن کار تولید می شود نیاز نیست. بنابراین قابل توجیه است که اگر کار ((داده شده)) فرض شود، آیا می توان چنین برخوردی را با سرمایه داشت؟ آیا سرمایه شامل ابزار تولید نظیر ماشین آلات و کالاهای سرمایه ای می شود؟ اگر

نئوکلاسیک تنها به جنبه تکنیکی سرمایه توجه می شود. بنابراین در نظریه سنتی توزیع درآمد، محلی برای تمایز بین درآمد حاصل از دارایی و درآمد حاصل از کار باقی نمی ماند.

در مقاله دیگری که نویسنده تحت عنوان ((مختصری پیرامون تابع تولید نئوکلاسیک)) نوشته بیان می دارد<sup>۱۱</sup>. دکتربین کلاسیک بر این نکته تاکید داشت که تئوری ارزش کالا و مفهوم استعمار انسان از انسان از شرایط تولید سرچشمه می گیرد. ولی تئوری نئوکلاسیک توجه را از شرایط تولید به شرایط مبادله تغییر داده و... قیمت های نسبی کالاها را بر اساس مفهوم مطلوبیت بنا نهاده است. نکته اساسی این است که در طرف عرضه امکان جایگزینی بین عوامل تولید و در طرف تقاضا امکان تغییر تقاضا بین کالاها وجود دارد. مطلوبیت نهائی و هزینه نهائی، تعادل در بازار کالاهای نهائی را تعیین می کنند. و تعادل در بازار عوامل توسط ((نامطلوبیت نهائی)) و بهره وری نهائی انجام می گیرد. اقتصاددانان نئوکلاسیک از جمع ترجیحات افراد، منحنی بی تفاوتی جامعه را به دست می آورند و این مهم را براساس این فروض بسیار محدود کننده و غیر منطقی انجام می دهند که:

- ۱- سلیقه افراد مشابه است
- ۲- تقاضای کل برای کالاهای مورد بحث مستقل از توزیع درآمد می باشد.

سپس استدلال می کنند که در شرایط

۱۱- نفری اکبر مختصری پیرامون تابع تولید نئوکلاسیک، نشریه اقتصاد و مدیریت از انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شماره ۳۷ و ۳۸ تابستان

و پاییز ۱۳۷۷، صفحات ۳۳ تا ۴۷

چنین است آیا می‌توان سرمایه را نیز «داده شده» فرض کرد؟ آیا می‌توان سرمایه به عنوان یک عامل تولید را به صورت یک مجموع ارزش تصور نمود؟ اگر چنین است با چه معیاری می‌توان سرمایه فیزیکی را به سرمایه ارزشی تبدیل کرد؟ در تابع تولید نئوکلاسیک، سرمایه به صورت مقادیر «داده شده» فرض می‌شود که شامل ابزار تولید «تولید شده» نمی‌گردد، زیرا بخش مولدی وجود ندارد که آنها را تولید کند. تقریباً در تمام مقالات و کتبی که اقتصاد دانان نئوکلاسیک درباره اقتصاد خرد و کلان و موضوعات مربوطه به رشته تحریر در آورده‌اند، این طور می‌خوانیم که در هر اقتصادی یک مقدار کار «داده شده» و یک مقدار سرمایه همگن «داده شده» و یک بخش مولد برای تولید هر یک از کالاهای مصرفی وجود دارد. ولی به بخش مولدی که سرمایه را تولید می‌کند هیچ اشاره‌ای نمی‌شود زیرا اقتصاد دانان نئوکلاسیک سرمایه را طوری می‌گیرند که گویا یک نهاده اولیه می‌باشد. اما توجه به این نکته ضروری است که ابتدا باید سرمایه به مثابه ابزار تولید را خریداری کرد و سپس آن را در فرآیند تولید قرار داد، بنابراین در اقتصاد بخش مولدی مطرح می‌شود که به تولید و فروش سرمایه اشتغال دارد.

نویسنده سپس به بررسی چگونگی تعیین معیاری برای محاسبه ارزش سرمایه می‌پردازد و بیان می‌کند که: اگر بخواهیم سرمایه را به صورت یک مجموع پول در نظر بگیریم، ضروری است که سرمایه فیزیکی موجود در اقتصاد با کمک واحد یا معیاری به ارزش تبدیل گردد و آن ارزش معادل

ه - همچنین علاوه بر موارد فوق بیان کرد که مکاتب اقتصادی نئوکلاسیک (و کینزی) که اصل را بر اقتصاد بازار قرار می‌دهند، از یک طرف در چارچوب اصول اعتقادی کلاسیکی عقاید خود را بنا نهاده‌اند و از طرف دیگر این دو مکتب پذیرفته‌اند که به دلایل متعدد بازار مختل می‌شود و در موارد متعددی توانائی بهینگی ندارد. حتی در ارایه راه حلی برای رفع عدم تعادل‌های اقتصادی، نئوکلاسیک‌ها به ابزار سیاست‌های پولی و کینزی

اهمیت آن است که هر فرد باید به یک کار پردازد تا تولید حداکثر گردد. اما آزادی مبادله به تجارت بین کشورها به منظور دسترسی به بازارهای گسترده‌تر می‌انجامد. در این مورد نیز در چارچوب اقتصاد بازار بیان می‌شود که اگر همه کشورها در تجارت، آزاد باشند هر کشور براساس استعداد و قابلیت تولید خود وارد بازار می‌شود. در اینجا تقسیم کار بین کشورها نیز بر اساس همین عوامل صورت می‌گیرد. نتیجه این تقسیم کار رشد استعدادها بوده و هر کشور فقط به تولید کالائی می‌پردازد که در آن استعداد بیشتری دارد. حاصل این تقسیم کار حداکثر تولید کالاها در همه کشورها است. یعنی آنکه اقتصاد لیبرال در تجارت بین الملل قائل به تقسیم کار بر اساس تولید با هزینه کمتر و مبادله آن با کشور دیگر برای تولید دیگر است که در آن کشور با هزینه کمتر و کیفیت مناسب انجام می‌شود. بنابراین در سطح جهانی هزینه تولید حداقل می‌شود و تخصیص منابع به نحو مطلوبی صورت می‌گیرد و تولید کالاها افزایش می‌یابد. یعنی مصرف کنندگان در سطح جهانی به طور عام کالاها را با ارزانترین قیمت به دست آورده و سطح رفاه جهانی افزایش می‌یابد.

به این ترتیب نظام اقتصاد بازار در تجارت بین‌المللی به عواملی نظیر استقلال کشورها، فرهنگ و سن کشور مقابل و انگیزش‌های ملی آنان توجه نمی‌کند و تنها با ابزار مکانیزم قیمت و

هابه ابزار سیاست مالی روی می‌نمایند که از نوع سیاست‌های مداخله است.

و - از جمله مواردی که می‌توان مورد نقد قرار داد عقیده این اقتصاددانان در مورد نفع است. آنان عقیده دارند «نفع» تعیین کننده‌ترین عامل کارکرد انسان است. چرا این عامل این همه تأثیر در عملکرد انسان دارد؟ چگونه است که از بین دهها عامل مثل عشق، سلیقه، تفکر، ایدئولوژی، تصور و غیره، عامل نفع به عنوان مؤثرترین عامل انتخاب شده است. اصولاً خود نفع چگونه قابل تشخیص است؟ سوال و مطلب مهم دیگر این است که چرا نفع بر همه افراد به یک شکل و به یک اندازه اثر می‌گذارد؟ چرا انسان‌ها در این رابطه عیناً مانند هم عمل می‌کنند؟ آیا نفع ثابت است یا متغیر و این تغییرات تأثیر بر تقاضای بازار (یا عرضه بازار) می‌گذارد یا خیر؟ چرا باید نفع امروز من همانند نفع دیروزم باشد؟ اینها مواردی است که بررسی نشده و پاسخی به آن داده نشده است.<sup>۱۲</sup>

ز - یکی از انتقاداتی که از اصول مکتب اقتصادی بازار می‌شود بحث تقسیم کار بین المللی ناشی از گسترش تجارت است. به عقیده صاحب نظران این مکتب، اصل آزادی از طریق تقسیم کار داخلی، افزایش تولید مبادلات اقتصادی را به دنبال دارد. در این شرایط هر فرد برپایه علاقه و قابلیت‌های خود به چرخه تولید وارد می‌شود. پی آمد چنین حضوری رشد استعداد فردی عاملان و فعالان اقتصادی است. در این تقسیم کار نکته حائز

اعمال این نقش نیز در حیطهٔ این پرسش قرار می‌گیرد.<sup>۱۴</sup>

۲- استیگلیتز بر آن است که دولت دو ویژگی خاص دارد.

- از یک حق قانونی فراگیر برخوردار است.  
- قدرت تحمیل کننده‌ای دارد که هیچ سازمان دیگری از آن برخوردار نیست.

اغلب مبادلاتی که بین عامل‌های اقتصادی صورت می‌گیرد به دلخواه است و برای طرفین سودآور است. اما مبادلات دولت و فرد می‌تواند برای فرد نفعی نداشته و دقیقاً به او تحمیل شده باشد. مثلاً مهمترین تحمیل دولت، قدرت تحمیل مالیات است. همین طور هیچ کس در اتخاذ تصمیم و انتخاب در زمینه شرکت یا عدم شرکت در نظام تأمین اجتماعی اختیاری ندارد. یا دولت قدرت منع برخی از فعالیت‌ها (تجارت اسلحه، تجارت قاچاق و...) را دارد. از طرفی می‌توان به امتیازات دخالت دولت اشاره نمود، مثلاً وقتی اطلاعات ناکافی و یا بازارها ناقص باشند، بنابراین عوامل اقتصادی ناآگاه بوده و نمی‌توانند به وضع بهینه برسند. این شرایط زمینه بالقوه‌ای برای دخالت دولت فراهم می‌کند تا نقاط ضعف و قدرت بازار روشن شود. در شرایطی که شکست بازار وجود نداشته باشد. باز هم دولت می‌تواند با توزیع مجدد در آمد یا از طریق تدارک و تأمین کالاهای حمایتی و پشتیبانی

مزیت نسبی در صدد حداکثر نمودن سود کشورهای است که از شرایط اقتصادی قوی‌تری برخوردارند. نظام اقتصادی آزاد جهانی با معادلات انواع مشارکت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک، اقتصاد کشورها را در هم تنیده است و کشورها عمدتاً به شدت وابسته به تجارت جهانی و آسیب‌پذیر می‌شوند. در نیائی که کشورها به دلیل تفاوت در فرهنگ، ایدئولوژی، ملیت، نظام سیاسی، مردم و دولت یکسان و مشترکی ندارند چگونه می‌توانند منافع مشترکی داشته باشند؟<sup>۱۳</sup>

ح - از جمله مواردی که به نقض اصول اقتصاد بازار مربوط است، دخالت دولت در اقتصاد به شیوه‌های مختلف می‌باشد که برخی از آنها در زیر می‌آید:

۱- دولت بر بخش خصوصی از طریق چگونگی اخذ مالیات و تغییر در نرخ آن، نحوهٔ اعطای یارانه‌های مختلف به بخش خصوصی یا بخش تولیدی، هدایت اعتبارات و وام‌ها به جهت‌های مورد نظر، گسترش آموزش، توجه به زیربنای اجتماعی مانند احداث سدها، فرودگاهها، بنادر، راهها، نیروگاههای تولید برق، سیستم‌های مخابراتی همچنین از طریق تعمیم و گسترش بهداشت عمومی در اقتصاد تأثیر می‌گذارد. نقش اقتصادی دولت تنها به دامنه و وسعت آن مربوط نمی‌شود، بلکه شیوه و چگونگی

۱۳- برداشتی از مأخذ شماره ۲ در این مقاله

۱۴- لوکایون، ژاک نقش اقتصادی دولت ترجمه مسعود محمدی گزیدهٔ مسائل اقتصادی و اجتماعی سال یازدهم شماره ۱ فروردین ۷۳

سازمان برنامه و بودجه تهران - صفحات ۵ تا ۱۸



(بهداشت و آموزش) نقشی در اقتصاد ایفاء کند. البته دولت خود از اعمال قدرت انحصاری خویش دست بردارد و تضمین حقوق انحصاری را نیز رها کند و از آنجا که بنگاه‌های کارآمد سدی در برابر انحصار هستند، دولت نباید با پروانه‌های انحصاری بهره‌برداری بر این سد بیفزاید بلکه باید رقابت در بخش عمومی را تشویق کند و باید غیر متمرکز باشد.

۳- موریس ویلیامز عقیده دارد، از زمان کینز تا به حال عموماً چنین پذیرفته شد که اقتصاد مبتنی بر بازار به گونه مطمئن نمی‌تواند خود را در حوزه اقتصاد کلان تطبیق دهد. به طور اخص آنچه که مهم است نقش دولت در فراهم کردن «محیط مناسب» برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و توسعه بازار و اقتصاد آزاد است. این گفته بدان معناست که نقش دولت نه تنها شامل سیاست با ثبات اقتصاد کلان می‌شود بلکه شامل نظام‌های قانونی، مؤسسات و خدمات غیر تجاری و حفظ حقوق مالکیت دولت می‌شود.

ط - بسیاری معتقدند که دولت نقش مهمی در ارتقاء برابری ایفاء می‌کند. برنامه‌های دولتی در تامین توسعه منابع انسانی در زمینه‌های بهداشت و درمان، کنترل جمعیت، آموزش و پرورش عموماً پذیرفته شده است. پایدار بودن توسعه ضرورتاً نقش عمده دولت را می‌طلبد... خصوصاً بازار آن قدر مجهز نیست که بتواند از منافع نسل‌های آینده

محافظت کند. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که به دلایل زیادی بازار و بنگاه‌های خصوصی نمی‌توانند بدون حمایت جدی و ضروری دولت، مؤثر باشند. ی - ویلیامز بیان می‌دارد. درسی که تجربه می‌دهد این است که دولت‌ها می‌توانند بخش‌های تولیدی خاصی را با موثرترین روش یعنی تحت شرایط حاکمیت خصوصی و مقررات رقابت‌آمیز، هدف قرار داده و هدایت و حمایت کنند. مثلاً در مورد مسائل زیست محیطی... عدم دخالت دولت ممکن است به پراکندن آزاد و بی‌قید و شرط زباله‌ها و پس مانده‌های بازیافت نشده، استفاده از سوخت ارزان با آلودگی زیاد و توسعه نامنظم و افسارگسیخته، به خاطر ارزانی آن مورد علاقه صنایع باشد. دولت‌ها مسئولیت دارند که توسعه را از نقطه نظر زیست محیطی پایدار سازند و این امر با ایجاد چارچوبی تنظیم‌کننده و مناسب میسر است.<sup>۱۵</sup>

### مبانی نظری دیدگاه‌های کینز (۱۹۴۶ - ۱۸۸۳)

به طور کلی می‌توان گفت که پس از انتشار کتاب ثروت ملل آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ تا به حال دیدگاه‌های متفاوتی در مورد اقتصاد کلان ارایه شده است. اولین دیدگاه اساسی در این زمینه به نظریات کلاسیک‌ها برگشته که در آن بر کارایی اقتصاد مبتنی بر بازار و توانائی بازار در انتقال اطلاعات بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان

۱۵- ویلیامز موریس توسعه نهادین متوازن، مفاهیم جدیدی از مسئولیت بخش دولتی و خصوصی، ترجمه محمدرضا قمری گزیده مسائل اقتصادی و اجتماعی سال دهم شماره ۷ مهر ماه ۱۳۷۲ سازمان برنامه و بودجه تهران صفحات ۴۱ تا ۵۱

مصرف نیز کم شده، لذا در بازار کالا مازاد عرضه به وجود خواهد آمد.

ج) در بازار سرمایه، به دلیل بدبینی‌ها و احتمال وجود دام نقدینگی، تقاضای پول افزایش یافته و لذا افزایش بیشتر حجم پول نمی‌تواند هیچگونه اثری بر روی نرخ بهره داشته و آن را کاهش دهد. در نتیجه هیچ‌گونه انگیزه‌ای جهت افزایش سرمایه‌گذاری و به تبع آن، تولید ناخالص ملی و اشتغال به وجود نیامده و احتمال باقی ماندن اقتصاد در حالت رکود همچنان تداوم خواهد یافت. در حقیقت کینز به جای اینکه مسأله بیکاری را در اقتصاد کلان انکار نماید، معتقد بود که با مداخله دولت و با استفاده از ابزارهای سیاست مالی می‌توان این عدم تعادل‌های به وجود آمده را بر طرف کرده و بار دیگر اقتصاد را در مسیر کارآیی و تعادل کلاسیک‌ها هدایت نمود.

### مبانی روش شناختی اقتصاد کینز

روش‌شناسی و به طور دیدگاه‌های فلسفی کینز شدیداً تحت تأثیر مکتب فلسفی کمبریج قرار داشت و در میان فلاسفه قدیمی‌تر، کینز بیشتر تحت تأثیر لایب نیتس بود. تصور کینز از علم اقتصاد، (و به طور کلی از علوم انسانی) به تبع سنت فلسفی رایج در کمبریج در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، عبارت است از یک علم اخلاقی طبق یک سنت قدیمی علم و فلسفه به یک معنا به کار می‌رفت و علوم به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شدند: علوم طبیعی و علوم اخلاقی. آن رشته‌هایی از دانش که با ذهن و رفتار انسان سر و

تأکید دارد. به اعتقاد این مکتب عدم تعادل‌های ایجاد شده در اقتصاد موقتی بوده و چنانچه نیروهای بازار بتوانند با آزادی کامل عمل نمایند، آنگاه در اقتصاد تعادل برقرار خواهد شد. در حقیقت این دیدگاه با تأکید بر شفافیت بازار و مکانیزم قیمت معتقد است که با توجه به رفتار عقلانی واحدهای اقتصادی، اقتصاد در شرایط رقابت کامل همیشه در تعادل و در اشتغال کامل می‌باشد. زیرا که درآمدهای حاصل از اشتغال عوامل تولید، تقاضای کافی را برای بازار محصول فراهم ساخته و به دلیل انعطاف پذیری قیمت‌ها، نه در بازار محصول مازاد عرضه و تقاضا و نه در بازار کار بیکاری به وجود خواهد آمد.

در تقابل دیدگاه مهم دیگری در اقتصاد وجود داشته که توجه خود را به نارسائی‌های موجود در نظام سرمایه‌داری، بخصوص وجود عدم تعادل‌هایی از قبیل بیکاری معطوف داشته و سعی نموده است که مسائل و مشکلات این نظام را تشریح نماید. شاید اولین و مهمترین کسی که در این رابطه تلاش نموده باشد جان مینارد کینز است. کینز کارکرد اقتصاد بازار را زیر سؤال برد و مدعی شد که در اقتصاد چندین دام و مانع به صورت زیر وجود داشته که نمی‌گذارد اقتصاد آنگونه که کلاسیک‌ها معتقد هستند عمل نماید.

الف) در بازار، کمبود تقاضا برای نیروی کار وجود دارد. زیرا به دلیل بدبینی‌های بنگاه‌ها نسبت به آینده، سرمایه‌گذاری دچار نوسان می‌شود.

ب) به دلیل این که مصرف تابعی از درآمد می‌باشد و بیکاری حاصله درآمدها را کم کرده،

بدون واسطه و فارغ از اشتباه‌ها است که طی آن ما مستقیماً به درک خود موضوع نایل می‌شویم. یعنی ما در جریان ادراک و تفکر، مستقیماً با خود اشیاء آشنا می‌شویم و نه صرفاً توسط حواس خود یا تصوراتی که از این اشیاء داریم. تصور کینز از علم اقتصاد، آمیزه‌ای از مشاهده، منطقی و دانش تجربی واقعیات است. او مشاهده را رکن اساسی تبیین اقتصادی می‌داند. کار اقتصاددان به معنای خاص کلمه از پر کردن ذهن با توده‌ای از مواد تجربی و غرق شدن در واقعیات تاریخ اقتصادی آغاز می‌شود. مرحله بعدی روی آوردن به تئوری برای توضیح واقعیات تجربی و تاریخی است و مهمترین مشکل روش شناختی از دیدگاه کینز در واقع در این مرحله روی می‌نماید. برای تفسیر تئوریک واقعیات باید از فرض‌هایی حرکت نمود که در ارتباط و تناسب با واقعیات گزینش شده‌اند. با توجه به اینکه تئوری بر پایه این فرض‌ها بنا می‌شود، در نتیجه اگر فرض‌های درستی انتخاب نشوند تئوری متزلزل و معیوب خواهد بود. بخش مهمی از ایراد کینز به اقتصاد نئوکلاسیک به همین موضوع اختصاص دارد.

کینز در انتقاد از غیر واقعی بودن فرض‌های تئوری تعادل عمومی به «عقل سلیم» و قضاوت مستقیم» افراد رجوع می‌کند. او در انتقاد روش شناختی از تئوری کلاسیک می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که نظر ارتدکس مستلزم وجود یک وضع

کار دارند علوم اخلاقی را تشکیل می‌دهند، حال آنکه علوم طبیعی به ماده و زندگی می‌پردازد. دسته اول از علوم با انسان‌ها به عنوان متفکر و منشأ عمل سر و کار دارد و دسته دوم با ماده بیجان و زندگی بدون آگاهی. کینز با تأکید بر جدایی علوم اخلاقی و علوم طبیعی معتقد بود که براساس دومی نمی‌توان برای اولی مدل‌سازی نمود. از نظری تصور کردن علم اقتصاد با علوم طبیعی منجر به غفلت از مهمترین چیزی می‌گردد که هر اقتصاددان باید به آن توجه کند، یعنی رفتار انسان به عنوان موجودی دارای ذهن و اراده. او بر این رای بود که اقتصاد، بر خلاف علوم طبیعی با درون‌نگری، ارزش‌ها، انگیزه‌ها، انتظارات، عدم اطمینان‌های روانی و نیز با اطلاعاتی سروکار دارد که اغلب در طی زمان همگن نیست.

در اقتصاد برای بکار گرفتن هر کلمه، منظور خاصی را اراده می‌کنیم که این اراده برای انتقال مفهوم، قابلیت تبدیل به فرمول‌های ریاضی را فاقد است، بنابراین به میزان وسیعی باید متکی به مشاهده و قضاوت مبتنی بر آن باشد<sup>۱۶</sup>. کینز بین دو نوع شناخت تمایز قائل می‌شود، شناخت مستقیم و غیر مستقیم. یا آن بخش از باور عقلانی که ما مستقیماً می‌شناسیم و آن بخش که از طریق استدلال به آن آگاهی پیدا می‌کنیم. شناخت مستقیم از مفاهیم محوری مکتب فلسفی کمبریج، از جمله فلسفه مور و راسل بود. ظاهراً منظور از آن، آگاهی

۱۶- غنی نژاد اهری، مرسی مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد ناشر مؤسسه پژوهش در برنامه ریزی و توسعه سال ۱۳۷۶ - تهران

معین و ثابت در خصوص انتظارات و وجود وضع اشتغال کامل است.

این محدودیت‌ها بدین معناست که نظریه ارتدکس تئوری خاصی است که تنها در وضعیت‌های خاص صدق می‌کند..... اگر حق با من باشد، تئوری ارتدکس کاملاً فاقد کاربرد در خصوص مسائلی چون بیکاری و دوره‌های تجاری یا در واقع هرگونه مسأله روزمره زندگی عادی خواهد بود.»

کینز معتقد است که انتظارات عوامل اقتصادی به ویژه سرمایه‌گذارها، عملاً نقش مهمی در میزان سطح تولید و سطح اشتغال دارند. اشتغال کامل لازمه تعادل در نظام اقتصادی نیست.

کینز ارتباط نزدیکی بین خصلت واقع‌گرایانه فرض‌ها (و تئوری‌های مبتنی بر آنها) و خصلت عمومیت این فرض‌ها و تئوری‌ها قایل است. ادعای عمومی بودن تئوری‌های وی به معنای ادعای واقع‌گرایانه بودن آنها نیز هست. مترادف دانستن کلیت فرض‌ها و واقع‌گرایانه بودن آنها متضمن تناقض منطقی است که توجه به آنها می‌تواند نکات مهمی را در مباحث روش‌شناسی کینز روشن کند. به نظر می‌رسد که مفاهیم کل و کلی در مباحث کینز خلط می‌شوند. در مواردی..... کینز رویکرد کل‌نگرانه «ماکرو» را به عنوان خصلت عمومی بودن نظریه خود معرفی می‌نماید، حال آنکه روش تحلیل کل‌نگرانه هیچ ربطی به خصلت عمومی بودن یک تئوری ندارد. موضع کینز در خصوص جدال روش‌ها بین اندیشمندان آلمانی و اتریشی در اواخر قرن

نوزدهم، موضعی میانه است که جنبه التقاطی روش‌شناسی وی را نشان می‌دهد. او جنبه‌های آموزنده مثبت هر دو مکتب را پذیرفت و مخالفت متقابل آن دو نسبت به یکدیگر را رد کرد. علت و انگیزه کوشش کینز در این تفکر التقاطی را شاید بتوان در اعتقاد کینز به مشاهده یا ادراک مستقیم دانست یعنی این ادعا که با مشاهده و دقت نظر و به کمک تفکر تئوریک می‌توان به ادراک مستقیم و کاملاً حقیقی واقعیت‌های پیچیده نایل آمد.

کینز در سنت اقتصاد سیاسی کلاسیک و به ویژه آدام اسمیت قرار دارد. اما تصور متفاوت این دو متفکر شکاف نظری بزرگی بین آن دو ایجاد می‌نماید. کینز در مقدمه‌ای که برای کتاب‌های درسی اقتصاد نوشته بیان می‌کند: تئوری علم اقتصاد بیشتر یک روش است تا یک دکترین، دستگامی از تفکر، تکنیکی برای اندیشیدن است که صاحب آن را قادر به نتیجه‌گیری‌های صحیح می‌نماید. از نظر وی اقتصاد جزئی از موضوع‌های مربوط به اصول کلی انتخاب و رفتار عقلانی است.

کینز در فصل پایانی کتاب نظریه عمومی تأکید دارد که دولت با دخالت‌های خود و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب، می‌تواند کمیابی سرمایه را برطرف کند به طوری که نرخ بهره صفر شود و در نتیجه سرمایه داران غیر فعال تمام در آمد خود را از دست بدهند. با حرکت به سوی جامعه مشترک المنافع آرمانی، طبیعت انسانی متحول خواهد شد که به پول اندک قناعت کند و سلطه پول و حرص اقتصادی را داوطلبانه طرد نماید و به طور عقلانی به سوی خیر، روابط انسانی و غیر انسانی

یابد، نظریه کلاسیک از این نقطه به بعد مجدداً به حیطة خود باز می‌گردد.<sup>۱۷</sup>

معمولاً کینز را ناجی سرمایه داری تلقی می‌کنند، کسی که با ایجاد اصلاحاتی آن را از انهدام رهانید و عمر جاودانه بخشید.... آرمان کینز یک جامعه سرمایه داری است.... او خود را طرفدار سوسیالیسم لیبرال معرفی می‌کند یعنی سوسیالیسم مبتنی بر فردگرایی از یک سو و کنترل اجتماعی از سوی دیگر. او بیان می‌دارد که: به نظر من نظام سرمایه داری اگر به صورت خردمندانه‌ای مدیریت شود، برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی، احتمالاً از هر نظام جایگزین دیگری کارآیی بیشتری خواهد داشت. اما از بسیاری جهات سرمایه‌داری در نفس خود قابل انتقاد است.

کینز معتقد است که بر خلاف تصور اقتصاددانان ارتدکس، نظام سرمایه‌داری با ساز و کار بازار به خودی خود به استفاده مطلوب از منابع منجر نمی‌شود. علت این امر را باید در کمبود تقاضای کل نسبت به عرضه کل جستجو کرد او فرضیه برابری بین تقاضای کل ناشی از تولید (تقاضای موثر) و عرضه کل در شرایط اشتغال کامل را رد می‌کند.<sup>۱۸</sup>

تعادل در غیر اشتغال کامل به مفهوم آن است که بازار کار تسویه نمی‌شود. از نظر کینز پس انداز یا

روی آورد. مسئولان جامعه (دولت) اگر پایبند به اصول اخلاقی باشند، تحقق بخشیدن به این جامعه آرمانی کار دشواری نخواهد بود. کینز در پاسخ به هشدارهای (هایک) درباره خطر دخالت دولت و برنامه‌ریزی در عرصه اقتصادی می‌نویسد، برنامه‌ریزی معتدل اگر هدایت کنندگان آن به درستی در اذهان و قلوبشان گرایش به موضوع‌های اخلاقی داشته باشند، بی خطر بود. آنچه که ما نیاز داریم برقرار نمودن تفکر اخلاقی درست است. بازگشت به ارزش‌های اخلاقی حقیقی در فلسفه اجتماعی‌مان.

اگر قرار است امکانات کامل تولید از قوه به فعل درآید، کنترل‌های مرکزی ضروری برای تأمین اشتغال کامل، البته متضمن گسترش وسیع وظایف سنتی حاکمیت است... اما باز هم میدان وسیعی برای اعمال ابتکار و مسئولیت خصوصی باقی خواهد ماند. انتقاد ما بر نظریه اقتصادی مورد قبول کلاسیک کمتر مبتنی بر یافتن خدشه منطقی در تحلیل آن و بیشتر در تذکار این است که فرضیات ضمن آن یا به ندرت صادق بوده و یا اساساً صادق نمی‌کرده‌اند و در نتیجه نمی‌تواند مسائل اقتصادی دنیای کنونی را حل نماید، اما اگر کنترل‌های مرکزی ما در استقرار حجم کل تولید متناظر با اشتغال کامل بدان نزدیکی که عملی باشد توفیق

۱۷- کینز جان مینارد، نظریه عمومی اشتغال پول و بهره ترجمه منوچهر فرهنگ موسسه تحقیقات اقتصادی سال ۱۳۴۸ تهران صفحات ۴۴۲

و ۴۴۳

۱۸- غنی نژاد اهری، موسی، مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، ناشر موسسه پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، سال ۱۳۷۶، صفحه

۱۴۵ تا ۱۶۹

پولی و اشتغال در جهت شفافیت بازار تعدیل نمی‌گردند. بلکه در مقابل ترتیبات قرارداد کاری در بازار اشتغال، دستمزدهای پولی را برای یک دوره معین ثابت نگه می‌دارند. در نتیجه تعدیل دستمزد پولی در طول دوره قرار داد متوقف گشته و این ممکن است مانع از قدرت تعدیل بخش خصوصی در برابر تنش‌های تصادفی گردد. پس اگر دولت قادر به تعدیل سیاست هایش در برابر تنش‌های تصادفی با سرعت بیشتری نسبت به بخش خصوصی، که از طریق مذاکرات مجدد در قرار دادهای کارگری می‌تواند این کار را انجام دهد، باشد در آن حالت ممکن است یکبار دیگر بگوئیم که فضا برای سیاست‌های مدیریت در تقاضا می‌تواند وجود داشته باشد.

از آنجایی که دیدگاه‌های اقتصاد سنتی کینزی بر نقش چسبندگی‌ها در دستمزدهای اسمی و قیمت‌ها تأکید داشته‌اند، لذا این طبیعی است که کینزی‌های جدید در تجزیه و تحلیل‌های خود در تلاش و جستجو برای توضیح چسبندگی‌های قیمت باشند. دیوید رومر در تجزیه و تحلیل خود بدین مسأله اشاره دارد که واحدهای تولیدی مواجه با یک رقابت ناقص بوده و آنها همچنین مواجه با موانع کوچک نسبت به انعطاف پذیری اسمی قیمت‌ها خواهند گشت. حتی همین موانع کوچک می‌تواند اثرات کلان اقتصادی بزرگی را به همراه داشته باشد. در مقابل بروس گرین والد و جوزف استیگلیتز دیدگاه متفاوتی از نئوکینزین‌ها

امساک از مصرف دوره جاری بوده و تابعی از درآمد است. در شرایط تعادل اولیه اگر پس انداز برنامه ریزی شده همراه با درآمد افزایش یابد باید نرخ بهره کاهش یافته تا با افزایش سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده تعادل مجدد برقرار گردد. کینز با این نظر کلاسیک‌ها که دستمزد پولی و قیمت‌های انعطاف‌پذیر، سیستم پویای با ثباتی را بوجود می‌آورند که اقتصاد را در اشتغال کامل قرار می‌دهد، مخالف است. او به بررسی عوامل پرداخت که ستون تولید، اشتغال و سطح مزدها را تعیین می‌کند. محور پاسخ کینز این است که همه این عوامل وابسته به تقاضای موثر در اقتصاد هستند. در سیستم کینز دولت این توانایی را دارد که با تعدیل در سیاست‌های خود تقاضای موثر را تغییر دهد.<sup>۱۹</sup>

### مکتب کینزی‌های جدید

کینزی‌های جدید همانند کینز با این مقدمه و پیش فرض شروع می‌نمایند که بیکاری و نوسانات اقتصادی مسائل و مشکلات محوری و دائمی اقتصاد بوده، رکودها و بحران‌ها دلایل و علائم شکست بازار در مقیاس وسیع می‌باشند. مدل‌های نیوکینزی‌آنهائی هستند که این فرض که انتظارات به صورت عقلانی شکل می‌گیرند را قبول داشته، ولی فرض شفافیت بازار کلاسیک‌های جدید را قبول ندارند. در عوض کینزی‌های جدید استدلال می‌نمایند که حداقل در کوتاه مدت دستمزدهای

19- Hillier Brian Macroeconomics Models, Debats and Developments, Basil Blackwell 1988, PP 36,37

وارده، در دهه ۱۹۸۰ «نظریه مزد کار آمد» را قبول نمودند.

اقتصاد دانان کینزی جدید دو روش متفاوت از تجزیه و تحلیل را انتخاب نمودند.

روش اول: استدلال می‌نماید که چسبندگی‌های اسمی قیمت روش اساسی تجزیه و تحلیل بوده که در آن اقتصاد بازار را متفاوت از نوع مدل‌های «والرس - ارو - دبرو» می‌نماید. بدون یک چنین چسبندگی‌هایی براساس این استدلال، انعطاف پذیری قیمت‌ها اجازه خواهد داد که اقتصاد به سرعت نسبت به هر نوع تنش که به وجود آید تعدیل گشته و در نتیجه اشتغال کامل همراه با کارآیی اقتصادی همچنان حفظ خواهد گشت. روش دوم: اشاره دارد که حتی اگر دستمزدها و قیمت‌ها کاملاً انعطاف پذیر باشند، محصول و اشتغال باز هم به میزان زیادی شکننده خواهند بود. نوع نگرش این روش به اقتصاد این است که، همچنان که اقتصاد تنش‌ها را تجربه می‌نماید آنها را بزرگ کرده و اثرات آنها را تداوم می‌بخشد. این روش قراردادهای ناتمام را مشخص نموده و به خصوص شاخص گذاری ناقص را به عنوان شکست محوری بازار مشخص کرده و تلاش می‌نماید که هم علل و هم نتایج و عواقب این شکست‌های بازار را توضیح دهد.

آن دیدگاه و نقطه نظر کینزی‌های جدید که بر روی انعطاف پذیری قیمت‌ها تأکید دارد یک تصویر و دورنمای پیچیده‌تری را پیشنهاد می‌دهد. اولاً اینکه نیروهای طبیعی اقتصاد می‌توانند تنش‌های اقتصادی را که ممکن است کوچک به

ارایه می‌دهند. آنها استدلال می‌نمایند که بازارها به طریق گوناگون ناکارآ بوده و آنها تلاش می‌نمایند که این عدم کارآیی را بر حسب اطلاعات ناقص و هزینه بر بودن توضیح دهند. آنها مانند رومر استدلال می‌نمایند که اختلالات و ناهماهنگی‌های کوچک و جزئی در اقتصاد می‌تواند باعث افزایش نوسانات مداوم بزرگ گردد. پس به نظر آنها مشکل و معضل نهائی، چسبندگی دستمزدها نبوده، بلکه این معضل به شکست بازارهای اشتغال و سرمایه مربوط است.

روی هم رفته حقایق زیادی دلالت بر این دارد که چسبندگی قیمت‌ها حداقل، تنها منبع مشکلات و معضلات اقتصادی مانند ضربه پذیری اقتصاد و بیکاری نخواهد بود. آن دسته از کینزی‌های جدید که بر روی چسبندگی قیمت تأکید دارند از توضیحات مربوط به (Menu-Costs) این چسبندگی را توضیح می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که حداقل در کوتاه مدت، قیمت‌ها چسبنده هستند گرچه در بلند مدت قیمت‌ها و دستمزدها تعدیل می‌گردند.

در دهه ۱۹۸۰ کینزی‌های جدید سعی نموده‌اند تا از طریق بهینه‌یابی الگوی موردنظر واحدهای اقتصادی، موضوع انعطاف ناپذیری‌ها را توجیه نمایند. علاوه بر این مکتب کینزی جدید قادر است توجیهی برای سطح بیکاری متعادل ارایه نموده و نوسان‌های تجاری را تشریح کند. در زمینه انعطاف ناپذیری دستمزد، با وجود که در ابتداء وجود قراردادهای کار را عامل اصلی این انعطاف ناپذیری تلقی می‌کردند، ولی به دلیل ایرادات

۲- سطح کل فعالیت اقتصادی به میزان قابل ملاحظه‌ای نوسان دارد (خواه این فعالیت به وسیله GDP اندازه‌گیری شود یا بوسیله بهره‌برداری از ظرفیت مطلوب و یا میزان بیکاری)

۳- پول، حداقل در بسیاری از مواقع، دارای اهمیت بوده، اگر چه که سیاست پولی ممکن است در بعضی از دوران بدون اثر باشد.

در حالی که کینزی‌های سنتی و کینزی‌های جدید ممکن است درباره شکل و فرم دقیق توصیه‌های سیاستی شان عدم توافق داشته باشند ولی آنها عمدتاً بر این توافق دارند که دخالت دولت حداقل در بعضی از مواقع جهت تثبیت سطح فعالیت اقتصادی مطلوب خواهد بود.

### نقد دیدگاه کینز و کینزی‌ها

نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که نظریات کینز و کینزی‌ها در چارچوب اقتصاد بازار مطرح می‌گردد. پیشنهادهای اینان برای شناسایی نارسائی‌های نظام سرمایه‌داری و پیش بینی راه کارهائی برای جلوگیری از انحراف عملکرد نظام اقتصاد بازار است.

مسئله بیکاری عوامل تولید، علی‌رغم وعده‌های طرفداران اقتصاد بازار، پدید آمدن مازاد عرضه کالاها به دلیل عدم توانائی مالی خریداران، تبدیل شدن شرایط رقابتی به وضعیت انحصاری از جمله عواملی بودند که به عنوان نارسائی‌های اقتصاد بازار و نظام سرمایه‌داری معرفی گردیدند. کینز راه‌حلهائی را به منظور حفظ این نظام ارائه کرد. بنابراین هدف نهائی او (در بلند مدت) رسیدن به

نظر برسند بزرگ و با اهمیت جلوه داده، ثانیاً چسبندگی‌های موجود قیمت‌ها، همچنان که کینز استدلال نمود. ممکن است باعث کاهش این نوسانات گردند. در نتیجه از آنجائی که حتی با داشتن انعطاف پذیری کامل دستمزدها و قیمت‌ها، باز هم اقتصاد ممکن است که تغییرات و نوسانات قابل ملاحظه‌ای در اشتغال تجربه نماید، لذا آنها اعتقاد دارند که تنها تمرکز بر روی چسبندگی دستمزدها و قیمت‌ها ممکن است گمراه کننده باشد. لذا آنچه در زمینه مکتب کینزهای جدید حائز اهمیت است این است که به دلیل مشکلات مربوط به توجیه انعطاف ناپذیری دستمزد، توجه اقتصاددانان این مکتب در دهه ۱۹۸۰ از بازار کار به سمت بازار کالا و در نتیجه از انعطاف ناپذیری در مزد اسمی به انعطاف ناپذیری در قیمت هدایت شده است. براساس این دیدگاه مشکل اساسی دوره رکود این نیست که هزینه کار بالا می‌باشد، بلکه مسأله اساسی در این شرایط این است که میزان فروش بسیار پائین است. در این شرایط بنگاه‌های تولیدی به دلیل وجود بازارهای رقابتی ناقص هیچ انگیزه‌ای برای کاهش قیمت‌ها به منظور تعادل ندارند. بنابراین از دیدگاه مکتب کینزی جدید، بیکاری عمدتاً از نوع بیکاری غیر ارادی خواهد بود.

همه کینزی‌ها سه فرضیه را به شرح زیر قبول دارند:

۱- در خلال بعضی از ادوار - که غالباً طولانی هم می‌باشند - یک اضافه عرضه نیروی کار در سطح دستمزدهای اسمی رایج، وجود خواهد داشت.



ادعای عمومی بودن تئوری‌ها را به ادعای واقع‌گرایانه بودن آنها می‌پذیرد حال آنکه پذیرش این دو مطلب با هم تناقضی منطقی است. از جمله کینز مفاهیم کل و کلی را در مباحث خود خلط می‌کند حال آنکه روش تحلیل کل نگرانه (ماکرو) هیچ ربطی به خصلت عمومی بودن آن تئوری ندارد.

موضوع دیگر آن است که کینز مباحث اقتصادی خود را در چارچوب علم اخلاقی بنیان گذاشت و از این نظر در سنت تفکر «آدام اسمیت» قرار دارد. منتهی این دو متفکر در مورد اخلاق و عقلانیت دیدگاه‌های متفاوتی دارند. بدین معنی که هر دو متفکر هدف علم اقتصاد را ایجاد خیر بیشتر برای افراد جامعه می‌دانند. اما تصور آنها از خیر عمومی متفاوت است. انتقاد دیگری که از روش‌شناسی کینز می‌گردد آن است که علی‌رغم آن که وی گزینش شهودی را وسیله رسیدن به فرض‌های صحیح می‌داند اما ملاکی برای تشخیص صحت و سقم این فرض‌ها ارائه نمی‌کند.

#### پیشنهادها

از مجموعه بحث‌هایی که تاکنون انجام شد می‌توان به این نتیجه رسید که گرچه نظام اقتصاد مبتنی بر بازار نظام مطلوب اقتصادی تلقی می‌شود لیکن این نظام در ذات خود نارسائی‌هایی را به همراه دارد. این امر به سبب عملکرد ناقص مکانیزم قیمت و ساختار بازار آزاد بدون نظارت است. بدین لحاظ اهداف ترسیمی نظام اقتصاد مبتنی بر بازار با آنچه در عمل به دست می‌آید فاصله بسیار دارد. آزادی مطلق پذیرفته شده در

وضعیتی بود که به اقتصاد بازار منتهی می‌گردید. او این نارسائی‌ها را به صورت ناطمینانی‌هائی در رفتار سرمایه‌گذاران، چسبندگی قیمت‌ها، توهم پولی و چسبندگی دستمزدها و نظایر اینها می‌دانست. او راه‌حل رفع این بحران و نوسانات در رفتارهای سرمایه‌گذاران و رفتارهای مصرفی را هدایت تقاضای کل توسط دولت با استفاده از ابزارهای سیاست‌های مالی می‌دانست حال آنکه اگر سیاست مالی به تنهایی اتخاذ شود اثرات نامساعد دیگری بوجود می‌آورد که برای از بین بردن آن باید سیاست پولی همراه با سیاست مالی اتخاذ گردد.

انتقادی که از جهت تئوری به نظریه کینز وارد می‌باشد این است که با انتخاب متغیرهای کلان برای تحلیل تعادل اقتصادی، رفتار خرد عناصر اقتصادی (اعم از بنگاه، مصرف‌کننده و عوامل) که تلاش دارند همیشه در تعادل به سر برند نادیده گرفته می‌شود به عبارت دیگر اگر نظریه کینز را به سطح خرد تعمیم دهیم به این معنی خواهد بود که بسیاری از عوامل اقتصادی به نحوی رفتار می‌کنند که شرط حداکثریابی را رعایت نمی‌کنند. این فرض مورد انتقاد کلاسیک‌های جدید قرار گرفت و بر این اساس بود که کلاسیک‌های جدید موضوع مبانی خرد اقتصاد کلان را در پاسخ به تحلیل کینز از تعادل ارائه دادند. به علاوه مطلبی که در انتقاد روش‌شناسانه از کینز مطرح می‌شود ارتباط نزدیکی است که او بین خصلت واقع‌گرایانه فرض‌ها و تئوری‌های مبتنی بر آنها و خصلت عمومیت این فرض‌ها و تئوری‌ها قائل است. در حقیقت وی

نابسامانی فرهنگی و اجتماعی است که حاصل آن از جمله مواردی است که نقش هدایت‌گرانه دولت را توجیه و توصیه می‌کند. دولت می‌تواند با توزیع مناسب‌تر و افزایش درآمد اقشار کم درآمد (که میل به مصرف بالایی دارند) از طریق تشویق به سرمایه‌گذاری، تقاضای برای کالاهای مصرفی را افزایش دهد که افزایش تولید و اشتغال را در پی خواهد داشت. کاهش بیکاری نیز می‌تواند باعث افزایش درآمد گردد که حاصل آن هم افزایش تقاضای مصرفی است.

۲- به علاوه و مهم‌تر آن که افزایش تقاضای کالاهای سرمایه‌ای (سرمایه‌گذاری) موجب افزایش درآمد از طریق کاهش بیکاری می‌گردد. لذا دولت (که عهده دار رفاه و ارتقاء آن در جامعه است) نمی‌تواند نسبت به این تقاضا (که مهم‌تر از تقاضای کالاهای مصرفی است) بی‌تفاوت به ماند. نظر به این که اشتغال، درآمد، مصرف و بالاخره سطح رفاه جامعه با میزان سرمایه‌گذاری انجام شده در هر دوره ارتباط مستقیم دارد، دولت می‌بایست تلاش کند تا همه عوامل مؤثر بر کاهش سرمایه‌گذاری (که غالباً از طرف بازار به وجود می‌آید) را از بین ببرد. نظریات اقتصادی مبتنی بر بازار قبول دارند که از جمله مهمترین موانع سرمایه‌گذاری، نرخ بهره موجود در بازار است. دلیل آن هم نزولی بودن شیب منحنی IS و بیان این مسأله است که  $20\%$  هر چه نرخ بهره پائین‌تر باشد سرمایه‌گذاری و تولید ملی براساس این منحنی

مکانیزم بازار مرتباً نظام اقتصاد مبتنی بر بازار را از اهداف نهایی و غایی آن دور می‌سازد مهم‌ترین آثار نامطلوب را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- هدف کسب بیشترین منفعت در رفتار فردی توسط فعالان در مکانیزم بازار از یک طرف به توزیع نابرابر درآمدها می‌انجامد که حاصل آن شکاف در آمدی و کاهش در مصرف، سرمایه‌گذاری و اشتغال است. از طرف دیگر پدیده نامطلوبی به نام گرایش‌های انحصارگرایانه نمایان می‌شود.

- با تقلیل سرمایه‌گذاری و افزایش بیکاری، فقر در جامعه پدیدار می‌شود. تجربه نشان داده است که انگیزه کسب حداکثر سود، چنانچه به حال خود گذاشته شود موجب بیکاری و در نتیجه فقر گسترده می‌گردد. آثار سوء فقر رو به رشد در زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به صورتی گسترده‌تر نمایان می‌گردد که حاصل آن چیزی جز نابسامانی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نخواهد بود. چنین گسیختگی‌هایی لاجرم اضمحلال سیاسی را در پی خواهد داشت. آثار سوء از بین رفتن موقعیت و اعتبار سیاسی کشور در سطح جهانی، آثار منفی قبلی را تشدید می‌نماید.

سوال این است که چگونه می‌توان نارسائی‌های اقتصاد مبتنی بر بازار و ناکارآمدی مکانیزم بازار را تقلیل داد و با هدایت اقتصاد آن را از بحران نجات بخشید؟

۱- با توجه به این که شکاف درآمدی مقدمه

جمله نیروی کار با مهارت کمتر می‌شود. توجه به آموزش و افزایش سطح اطلاعات علمی و مهارت‌های نیروی کار می‌تواند ضمن رفع بیکاری، عامل توزیع مناسب درآمدها باشد هم چنین به کار گرفتن این یافته‌ها در تولید نیاز به سرمایه‌گذاری گسترده دارد. افزایش سهم پژوهشی و آموزش در ترکیب هزینه‌ای دولت باید به وسیله ایجاد تسهیلات بانکی و هدایت اعتبارات و منابع زمینه ساز تحولات همه جانبه اقتصادی گردد. حاصل این تحولات، بهبود تکنولوژی و افزایش تولید و ارتقاء کیفیت نیروی کار، افزایش درآمد عوامل تولید و افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات است که ارتقاء سطح رفاه جامعه را در پی دارد.

۵- از آنجایی که تحولات فرهنگی در یک جامعه زمینه ساز تحولات توسعه‌ای می‌باشد دولت باید با استفاده مناسب از ابزارهای رسانه‌ای در ارتقاء فرهنگ جامعه در جهت همبستگی ملی و ایجاد روحیه مشارکت و همکاری مردم با دولت اقدام کند.

۶- مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم باعث می‌شود که دولت به انحصارگرایی نیابد. به بیانی دیگر با نهادینه شدن چنین مشارکت‌هایی و سازماندهی اجتماعی و سیاسی مناسب و حضور ارادی و آگاهانه مردم و ارتباط نزدیک آنها با دولت از انحصاری عمل کردن دولت‌ها ممانعت به عمل آورده، زمینه رقابت بخش دولتی با بخش خصوصی را فراهم می‌آورد. این امر به افزایش کارایی بخش خصوصی و بخش دولتی می‌انجامد.

۷- دولت با ایجاد زمینه‌های افزایش انگیزه

افزایش می‌یابد و زمانی که به صفر می‌رسد، سرمایه‌گذاری حداکثر می‌گردد. بنابراین دولت می‌بایستی برای هدایت تقاضای سرمایه‌گذاری، نسبت به نرخ بهره حساس بوده و در نهایت در جهت حذف آن حرکت کند. این بحث می‌تواند موضوع تحقیقات گسترده در آینده قرار گیرد.

۳- یکی دیگر از نقش‌های دولت در زمینه ارایه اطلاعات صحیح به بخش‌های تولید، اشتغال و مصرف است تا امکان کارکرد صحیح مکانیزم بازار فراهم گردد توزیع و مبادله مناسبتر اطلاعات به منظور واقعی‌تر شدن تصمیمات اقتصادی به بهتر شدن تخصیص منابع می‌انجامد در این صورت در بازار عوامل و بازار کالاها و خدمات نوسانات محدودتری مشاهده خواهد شد.

۴- در خلال مباحث این فصل توضیح داده شد که به علت هزینه بالایی که تحقیقات نیاز دارد، بخش خصوصی نمی‌تواند با یافته‌های تحقیقاتی به صورتی رقابتی عمل کند. این عمل مغایر اصول اقتصاد مبتنی بر بازار است. چنانچه این امر به عهده دولت‌ها محول گردد، دولت باید نتایج تحقیقات را به صورتی رقابتی در بازار ارایه کند و به صورتی گسترده (فراگیر) و شفاف آنها را در اختیار متقاضیان قرار دهد. در این صورت هزینه تحقیقات و افزایش سهم آن در ترکیب هزینه‌های دولت نقش مهمی در افزایش کارایی عوامل تولید دارد. دست آورد فعالیت‌های پژوهشی، یافته‌های علمی است که مبنای تحولات تکنولوژیک می‌باشند. تحولات تکنیکی ضمن افزایش کارایی عوامل تولید باعث بیکاری موقت برخی منابع، از

برخی از مهم‌ترین نظریات معتبر اقتصادی مورد ارزیابی قرار گیرد. در این بررسی به این نتیجه رسیدیم که رفتار اقتصادی و مداخلات دولت تحت تأثیر حاکمیت عامل سرمایه می‌باشد که به خاطر قدرت چانه‌زنی بالائی که دارد بیشترین سهم را در توزیع درآمد دارا است. در بررسی دیدگاه کلاسیک‌ها، نتوکلاسیک‌ها و کینزی‌ها به این نتیجه می‌رسیم که هرگاه به مکانیزم قیمت در چهارچوب کلاسیکی متکی می‌شویم، بیکاری و فقر گسترش می‌یابد و هرگاه نظریات کینزی‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهیم، تورم به وجود می‌آید که خود به خود مداخلات گسترده دولت را ایجاب می‌کند و این باعث خروج اقتصاد از وضع طبیعی مورد نظر مکانیزم بازار خواهد شد. در طول دوپست سال گذشته نظریه پردازان، علی‌رغم تلاش خستگی‌ناپذیر و نظریات ارزشمند، که شدیداً قابل تقدیر است، نتوانستند مشکل را به درستی حل کنند و بحران‌های مکرر در گستره جهانی شاهد مثال خوبی است. بنابراین با مکانیزم بازار نمی‌توان به تعادل اشتغال کامل در اقتصاد رسید. در این صورت باید راهکارهایی نشان داده شود که مصرف ثبات یابد تا تولیدکنندگان با اطمینان از وجود تقاضای موثر برای کالاهای خود (اعم از کالاهای سرمایه‌ای و یا مصرفی) به تولید پردازند.

تقاضا برای مصرف کالاها بستگی به چگونگی توزیع درآمد در جامعه دارد. برای آن که توزیع درآمد در جامعه متناسب و متعادل گردد، لازم است تا دولت شرایطی را فراهم آورد تا هر فرد به اندازه استعداد خود درآمد کسب کند. این امر ایجاب

پس انداز از طریق بازارهای گسترده مالی می‌تواند عامل مشارکت منابع موجود در جامعه در امر تولید گردد. این زمینه‌ها ناشی از خوش بینی به وضعیت حال و آینده اقتصاد، توزیع مناسب درآمدها، بهبود انتظارات عوامل اقتصادی از آینده، نرخ بهره و سطح اشتغال می‌باشد.

۸- گرچه عوامل اشاره شده در بندهای بالا نظیر حذف شکاف درآمدی، تمرکز و ارایه همگانی اطلاعات و شفافیت آن، گسترش پژوهش و تحقیقات و افزایش سهم آموزش و پژوهش در هزینه‌های دولت، ارتقاء سطح فرهنگی و مشارکت سیاسی - اجتماعی می‌توانند گرایش‌های انحصاری را محدود و یا حذف نمایند، لیکن دولت باید با دقت، ناظر رفتار بخش‌های تولیدی باشد تا از حرکت بخش‌هایی از اقتصاد به سوی انحصار جلوگیری به عمل آورده و خود نیز از گرایش‌های انحصاری پرهیز نماید.

۹- ثبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی هر کشور مانع از بروز اختلالات در تقاضای مردم می‌شود. همچنین گرایش اقتصاد به جهانی شدن، می‌تواند به عنوان عامل تعیین کننده بر ثبات اقتصاد در همه کشورها به حساب آید. در این مورد باید در نظر داشت که موقعیت سیاسی و اقتصادی یک کشور در سطح جهانی و عضویت یک کشور در سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی و همکاری متقابل با سایر کشورها آثاری بر وضعیت تولید، اشتغال و درآمد عوامل دارد که این می‌تواند بر سطح مصرف و رفاه جامعه اثر بگذارد.

با توجه به مطالعات انجام شده سعی گردید که

سرمایه‌گذاری به نظر می‌رسد که ابزارهای توزیع مجدد در آمد در جامعه توسط دولت باید به نحوی به کار گرفته شود که درآمدهای توزیع شده بتواند تقاضای موثر برای همگان را در حد استعدادهای هر عامل ایجاد کند. بدیهی است که این ابزارها به نحوی تنظیم گردد که اولاً امکان فعالیت و اشتغال از طریق جلوگیری از کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و ثانیاً بتواند سرمایه لازم برای افرادی که مایل به فعالیت‌های تولیدی و خدماتی هستند را فراهم کند. البته افرادی که توانائی جسمی و ذهنی برای کار ندارند باید تحت پوشش دولت قرار گیرند.

می‌نماید که قدرت چانه زنی عوامل برای تعیین سهم در جریان تولید، یکسان باشد. در سطح کلان نیز در صورت یکسان شدن قدرت چانه زنی، تقاضا برای سرمایه‌گذاری به علت سطح مصرف بالاتر به طور مستمر افزایش می‌یابد در این شرایط دولت نیاز به تعیین قیمت یا نظارت بر آن ندارد. برای تحقق چنین شرایطی به نظر من تا توزیع درآمد براساس استعدادهای به درستی انجام نگیرد و زمینه‌های رانت جویی در جامعه حذف نشود قادر نخواهیم بود با سیاست پیشنهادی کینزی بر سطح تقاضا اثر بگذاریم. از طرفی مکانیزم بازار اسمیت نیز چنین تأثیری ندارد. در نتیجه با توجه به اثر توزیع درآمد بر مصرف خصوصی و در نهایت بر

## منابع

### الف - کتب فارسی

- آنیکین آ. تاریخ علم اقتصاد ترجمه ناصر گیلانی، انتشارات تیرنگ
- اتقلید کلیفورد، دیوید دمزی، نایجل داک، انتظارات عقلانی در اقتصاد کلان ترجمه بهزاد هنری سازمان برنامه و بودجه تهران ۱۳۷۶
- احمدی بابک، مدرنیته نشر مرکز چاپ اول ۱۳۷۳ تهران
- اسمیت آدام، ثروت ملل ترجمه سیروس ابراهیم زاده انتشارات پیام تهران ۱۳۵۷
- برودل فرنان سرمایه داری و حیات مادی ترجمه بهزاد باشی نشرنی تهران ۱۳۷۲
- پسران هاشم و تونی لاوسون، بررسی جنبه‌های روش شناختی اقتصاد کینز ترجمه غلامرضا آزاد نشر دیدار تهران ۱۳۷۶
- پوپر - کارل، جامعه باز و دشمنانش ترجمه علی اصغر مهاجر شرکت سهامی انتشارات تهران ۱۳۶۹
- تارو - لستر آینده سرمایه داری ترجمه کیاوند نشر دیدار چاپ اول سال ۱۳۷۶ تهران
- تفضلی فریدون تاریخ عقاید اقتصادی نشرنی چاپ اول تهران ۱۳۷۲
- خاتمی سید محمد از دنیای شهر تا شهر دنیا (سیری در اندیشه سیاسی غرب) نشرنی تهران سال ۱۳۷۷
- داوری اردکانی رضا، فلسفه در بحران موسسه انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۳ تهران

- دورانت ویل، تاریخ فلسفه ترجمه عباس زریاب خوئی جلد اول و دوم شرکت سهامی کتاب جیبی تهران ۱۳۵۱
- دورانت ویل، لذات فلسفه ترجمه عباس زریاب چاپ نهم شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران ۱۳۷۴
- راسل برتراند تاریخ فلسفه غرب ترجمه نجف دریابندری ۲ جلد شرکت سهامی کتاب های جیبی تهران چاپ پنجم ۱۳۵۵
- روستو، والت ویتمن نظریه پردازان رشد اقتصادی جلد اول ترجمه دکتر مرتضی قره باغیان دانشگاه شهید بهشتی تهران ۱۳۷۴
- رنانی محسن بازاری یا نا بازار سازمان برنامه و بودجه تهران ۱۳۷۶
- ژانینی ژان مارسل اصول علم اقتصاد ترجمه هنهاوندی موسسه عالی حسابداری تهران ۱۳۵۰
- ژید شارل، شارل لیست، تاریخ عقاید اقتصادی ۲ جلد ترجمه کریم سنجابی دانشگاه تهران چاپ سوم تهران ۱۳۷۰
- ساول جرج عقاید بزرگترین علمای اقتصاد ترجمه حسین پیرنیا کتابفروشی ابن سینا تهران ۱۳۳۳
- سبحانی، حسن نگرشی به تئوری ارزش موسسه انتشارات امیر کبیر تهران ۱۳۶۹
- شومپتر ژوزف، تاریخ تحلیل اقتصادی ترجمه فریدون فاطمی نشر مرکز تهران چاپ اول ۱۳۷۵
- شومپتر ژوزف، کاپیتالیسم، سوسیالیسم، دموکراسی ترجمه حسن منصور ویرایش دوم چاپ دوم نشر مرکز تهران ۱۳۷۵
- فروغی محمد علی سیر حکمت در اروپا انتشارات کتابفروشی زوار تهران ۱۳۴۴
- فریدمن میلتون اقتصاد مکتب پولی ترجمه مهدی تقدی، حسن مدرکیان مرکز آموزش مدیریت دولتی تهران ۱۳۷۵
- قدیری اصلی باقر، کلیات علم اقتصاد مرکز نشر سپهر چاپ پنجم تهران ۱۳۶۶
- قدیری اصلی باقر، سیر اندیشه اقتصادی دانشگاه تهران چاپ ششم تهران ۱۳۶۴
- کاپلستون فردریک تاریخ فلسفه جلد های ۱ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ با مترجمهای مختلف چاپ انتشارات سروش تهران
- کاسمینسکی تاریخ قرون وسطی ترجمه صادق انصاری چاپ سوم نشر اندیشه تهران ۱۳۵۰
- کانت راجانی الگوهای نظری در اقتصاد توسعه ترجمه دکتر غلامرضا آزاد نشر دیدار تهران ۱۳۷۴
- کریستال الک و سایمون پرایس اختلاف نظرها در اقتصاد کلان ترجمه دکتر مهدی تقوی دانشگاه علامه طباطبائی چاپ اول تهران ۱۳۷۶
- کینز جان مینارد - نظریه عمومی اشتغال پول و بهره ترجمه منوچهر فرهنگ موسسه تحقیقات اقتصادی سال ۱۳۴۸ تهران.

- گرجی ابراهیم، ارزیابی مهمترین مکاتب اقتصاد کلان موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی - تهران ۱۳۷۶
- مایر، جرالده از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه ترجمه دکتر غلامرضا آزاد نشر میترا تهران ۱۳۷۵
- مایر جرالده دادلی سیرز پیشگامان توسعه مترجمین (دکتر هدایتی - یاسری) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه تهران چاپ اول ۱۳۶۸
- متوسلی محمود نگرشی به دیدگاه ها، تئوری ها و سیاست های توسعه اقتصادی دانشکده روابط بین المللی تهران ۱۳۷۲
- مزارعی عدنان اصول علم اقتصاد مرکز آموزش مدیریت دولتی تهران ۱۳۵۳
- مومنی فرشاد علم اقتصاد و بحران در اقتصاد ایران دانشگاه تربیت مدرس موسسه تحقیقات اقتصادی تهران ۱۳۷۴
- میک رونالد اقتصاددانان کلاسیک و نظریه ارزش ترجمه م - سوداگر موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند چاپ دوم مرداد ۱۳۵۷
- میل، جان استوارت تاملاتی در حکومت انتخابی ترجمه علی رامین نشرنی چاپ اول تهران ۱۳۶۹
- مینی، پیرو فلسفه و اقتصاد ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران چاپ اول ۱۳۷۵
- وبر، ماکس اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری مترجمان رشیدیان منوچهری کاشانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران ۱۳۷۳
- وبر، ماکس اقتصاد و جامعه مترجمین (دکتر منوچهری، دکتر ترابی نژاد، دکتر عمادزاده) انتشارات مولی چاپ اول ۱۳۷۴ - تهران
- وحیدی حسین، تاریخ عقاید اقتصادی انتشارات کتابخانه سنائی
- هانس آلوین راهنمای نظری عمومی کینز ترجمه منوچهرکیانی دانشگاه تهران سال ۱۳۶۴
- همایون کاتوزیان محمد علی آدام اسمیت و ثروت ملل شرکت سهامی کتاب های جیبی تهران چاپ اول ۱۳۵۸
- همایون کاتوزیان، محمد علی ایدئولوژی و روش در اقتصاد ترجمه قائد نشر مرکز تهران چاپ اول سال ۱۳۷۴
- همایون کاتوزیان، محمد علی چهارده مقاله در ادبیات اجتماع فلسفه و اقتصاد نشر مرکزی تهران ۱۳۷۴

#### ب - مقالات

- شریف آزاده محمد رضا - ۱۳۷۳ جایگاه ارزش در متدولوژی و نظریه پردازی اقتصاد فصل نامه اقتصاد

- و مدیریت شماره ۲۰ و ۲۱ بهار و تابستان ۱۳۷۳ تهران
- لوکایان ژاک - ۱۳۷۳ نقش اقتصادی دولت مترجم مسعود محمدی گزیده مسائل اقتصادی و اجتماعی سال یازدهم شماره ۱ فروردین ۱۳۷۳ تهران
- نفری اکبر - ۱۳۷۳ پیرامون اهمیت تئوری توزیع درآمد توکلاسیکی فصل نامه اقتصاد و مدیریت شماره ۲۰ و ۲۱ بهار و تابستان ۱۳۷۳ تهران
- نفری اکبر - ۱۳۷۵ نقدی بر توزیع درآمد توکلاسیک فصل نامه اقتصاد و مدیریت شماره ۲۸ و ۲۹ بهار و تابستان ۱۳۷۵ تهران
- نفری اکبر - ۱۳۷۷ مختصری بر پیرامون تابع تولید توکلاسیک فصل نامه اقتصاد و مدیریت شماره ۳۷ و ۳۸ تابستان و پاییز ۱۳۷۷ تهران

### ج - منابع انگلیسی

- Ashworth William An Economic History of England 1870-1989, 1965 The Comelot press let
- Barro Robert J. & Xavier Sala-I-Martin Economic Growth 1995 Mc Graw Hill. U. S. A.
- Bell Daniel & Irving kristol the crisis in Economic theory.
- Blaug. Mark The Methodology of Economics Cambridge university press 1993
- Bornstein, Morris, Comparative Economic system Models and cases 1969 Richard D. Irwin Illinois, U. S. A.
- Bronson William, H Macroeconomics 3et 1989, Haper & Row. U. S. A.
- Brown, C. V. & P. M. Jackson Public Sector Economics 4ed 1993 Blackwell. U. S. A.
- Clough Shepard Bancroft Economic History of Europe 1952
- Davis, Lance E and Jonathan R. T. Hughes American Economic History 1965 Richard D. Irwin Inc.
- Dornbusch Rudiger, Policy making in the open Economy 1993 Oxford University Press.
- Eichner Alfreds A Guide to post - keynesian Economics - M. E. Sharpe Inc 1979.
- Ekelund, Robert. B. J. Robert F. Hebert. A History of Economic Theory and Method 3ed 1990, M. G. Hill.
- Ferguson, C. E and Juanita M. Kreps Principles of Economics 1965 Holt, Rinehart and Winston Inc.



- Friedman Milton Anna Jacobson Schwart A Monetary History Of the U. S. 1867 - 1960
- Froyen, Richard, T. Macroeconomics theories and Policies 4ed 1993 MacMillan.
- Gillis. Perkins, Roemer, Sondgras Economics of Development 3ed 1992 Norton.  
Grossman Greogory 2ed Economic Systems 1984
- Hansen Alvin, F. Income, Employment and Public Policy 1948 Norton.
- Harvard university press 1968.
- Hillier Brian Macroeconomics Models, Debats and Derelopments B. B. W 1988.
- Leftwich, Richard, H. An Introduction to Economic Thinking 1969. Holt Rinehart and  
Winston, Inc. U. S. A.
- Marshall Alfred Principles of Economics 8ed The Macmillan Company.
- Peterson Wallace C. & Paul S. Estenson Income, Employed, Economic Growth 7ed WW.  
North.
- Roll Eric A History of Economic Thought 3ed 1959
- Samuelson, Paul. A. & William. D. Nordhaus., Economics 14ed 1992. McGrawhill Inc, U  
S. A.
- Schumpeter, Joseph. A, the theory of Economic Development.
- Skidelsky Robert the end of the keynesianera macmillan press ltd 1977.
- Stonier Hague A textbook of Economic Theory.
- Wilber, Charles, K. & Kenneth P. Jameson, the Political Economy of Development and  
underdevelopment 5ed 1992 McGrawHill. U. S. A.